



کارگران همه کشورها
متحد شوید!

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره برگزاری پلنوم

های سازمان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و از اول دی ماه ۶۶ راهنمای عمل ارگانها و اعضای سازمان خواهد بود. پیشینها دهای رسیده از سوی اعضای کمیته مرکزی مورد بررسی قرار گرفته و اساسا سازمان درکنگره به تصویب نهایی خواهد رسید.

پلنوم با در نظر گرفتن گزارش هیات سیاسی درباره پیشرفت روند تدارک و تصویب برنامه درباره شیوه پیشبرد و ادامه کار روی برنامه در دستگیر رهبری و مباحثات حول پیش نویسهای مقدماتی برنامه در تشکیلات، تصمیمات لازم را اتخاذ کرده پلنوم تأیید کرد که تا تصویب برنامه جدید طرح استراتژی و تاکتیک مصوب پلنوم فروردین ۶۵ را همنامی عمل سازمان قرار گیرد.

بخشی از کار پلنوم به مباحثات پیرامون شرایط ترور و اختناق حاکم بسر کشور، تقویت توان مقابله تشکیلات با سرکوب رژیم و مرحله تکامل ساختاری تشکیلات بمنظور تمسین شیوههای تدارک و فرآوردن کنگره اختصا می یافت.

مباحث پلنوم در زمینه مشی سازمانی و شیوههای هدایت فعالیت و اهدافی سازمان در سطح کشور متوجه آن بود که هم از تجارب دور و نزدیک سازمان در امر سازمانگری و هم از بررسی و تحلیل ضربات سال ۶۵ و ملل آن در امر سازمانگری بقیه در صفحه ۵

در مهرماه سال ۱۳۶۶ پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با شرکت اعضا و مشاورین کمیته مرکزی تشکیل شد و در فضای کار رقیقا نه و مسئولیت انقلابی به صالته تدارک کنگره و به سایر مسائل کنگره در دستوران قرار داشت رسیدگی کرد.

پلنوم با استماع گزارش فعالیت سازمان در فاصله میان دو پلنوم (از فروردین ۶۵ تا مهر ۶۶) کار خود را آغاز کرد و سپس سند اساسی در دستور کار خود یعنی اساسنامه را مورد بررسی قرار داد. مباحثات پلنوم در زمینه اساسنامه حول پیش نویس مصوب هیات سیاسی که به پلنوم ارائه شده بود صورت گرفت. پلنوم در جریان این مباحثات اصلاحاتی را روی طرح ارائه شده به پلنوم وارد ساخته و در پایان آن را به اتفاق آراء مورد تصویب قرار داد.

تلاش در جهت کار بست موثرتر اصول کلی ساختمان حزب طبقه کارگر و توجه بیشتر به تاجرب غنی ۸۰ ساله احزاب برادروا نظایا که هر چه بیشتر این اصول و تجارب بر شرایط سیاسی و اجتماعی ایران و بر مرحله تکامل سازمان و تجارب آن سمت و مضمون عمده تغییرات حاصله در اساسنامه سازمان را معین می کند. طرح جدید اساسنامه بنا به تصمیم پلنوم اکنون در تمام حوزهها و کمیتهها -

- ★ پیام پلنوم به مردم ایران: برای صلح، برای آزادی پیکار کنیم!
 - ★ پیام شادباش به مناسبت هفتادمین سالگرد انقلاب کبیرا کتبر
 - ★ پیام به اعضای و هواداران
 - ★ پیام به زندانیان سیاسی
- در صفحات ۳، ۴، ۵، ۶

اطلاعیه هیات سیاسی
حمله تجاوزکارانه ناوگان آمریکا به
سکوهای نفتی ایران را محکوم می کنیم

روز ۲۷ مهرماه، در شرایط تنش فزاینده و دولت ریگان و رژیم خمینی در منطقه خلیج فارس کشتیهای جنگی آمریکا را هزنا نه به دو سکوی نفتی کشور ما در خلیج فارس حمله کرده و آنرا بکلی نابود ساختند. این اقدام تجاوزکارانه دولت خیره سر ریگان، که باز برپا گذاشتن همه مقررات بین المللی انجام شدیک ما را جویب آشکار علیه مردم و میهن ما ست که اوضاع را به حد انفجار آمیزی متشنج باخته است.

دولت ریگان که این روزها از "امنیت کشتیرانی" و ضرورت "قطع جنگ" دم می زند با لشکرکشی به خلیج فارس و با اقدامات راهزنا نه خود اشیات نموده که تاکنون نفتی جز شعله و رنگ نداشت. همین آتش جنگ و تشدید توسعه آن در منطقه نداشتهاست. دولت ریگان اینک آماده است تا مستقیما به یک طرف جنگ تبدیل شود.

لشکرکشی دولت آمریکا و دیگر متحدین نا تویسی آن به خلیج فارس و ما را جویب های خیره سرانسه آنها درجا بوجوب نقشه های انجام می گیرد که هدفای درو در از تروری را پی می گیرند. این اقدامات اکنون آشکارا علیه امنیت منطقه و صلح جهانی و در جهت و خامت و تشنج هر چه بیشتر اوضاع عمل می کنند. دولت ریگان با اقدامات جنون آمیز خود عملا در راه اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و مساعضا ختن اوضاع جهت تحقق آن کارشکنی می کند.

رژیم ارتجاعی خمینی با امتناع از پذیرش آتش بس و با اصرار بر جنگ رانه به ادامه جنگ در تنور ما را جویب های امپریالیسم آمریکا می دمد و به نقشه های مرتجع ترین محافل جنگ افروز امپریالیستی خدمت می کند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و همه نیروهای انقلابی، مترقی و میهن دوست به همراه همه مردم ایران و همه کشورها، نیروها و محافل ترقیخواه جهان با نفرت تمام اقدامات ما را جویبانه و جنگ افروزانه امپریالیسم آمریکا علیه کشور ما و علیه امنیت منطقه را محکوم می کنند و خواستار خروج فوری همه نیروهای نظامی خارجی از خلیج فارس و تأمین امنیت کامل کشتیرانی در خلیج فارس زیر نظر نیروهای سازمان ملل متحد هستند.

بقیه در صفحه ۲

تیرباران فدایی قهرمان رفیق محمود زکی پور

چلادان چندین تن از فدایان خلق و دیگر انقلابیون را همزمان اعدام کردند

دربی اخبار رنگارنگ کننده ما هها هفته های اخیر، اخباری که حاکی از کشتار تازه انقلابیون در سیاه چالهای رژیم بود، اینک تا شنیده که رفیق قهرمان، که در برجسته سازمان ما، رفیق محمود زکی پور پس از چهار سال مقاومت و تحمل شکنجه های جسمی و روحی به خوا خدا عدا مبریده شد.

همزمان با اعدام رفیق زکی پور، برابر اخبار رسیده، عدهای دیگر از فدایان خلق و اعضای دیگر سازمانهای انقلابی و مبارزان را همزمان اعدام سپردند. سازمان برای کسب اخبار موثق و شناسایی رفقا و همزمان شهبه تلاش خود ادامه می دهد.

اعدام رفیق محمود زکی پور، انقلابی صدیقی که بیش از بیست سال از زندگی پرافتخارش را در پیکار بر علیه دورزیم ارتجاعی شاه و خمینی گذرانند، اعدام انقلابی برجسته ای که یکی از چهره های سرشناس زندانهای رژیم شاه بود، و داغ شکنجه گاه دورزیم زینت بخش پیکر پاکش بود، جز ننگ و نفرت بهره شکنجه گران و قاتلینش نخواهد کرد.

ارتجاع دلایل بسیاری برای اعدام رفیق زکی پور داشت، با او اکی های خدمتگزار رژیم خمینی، از کمتر کسی به اندازه او در ختم بودند. او کسی بود که برجسته ترین ما موران و شکنجه گران رژیم را به زانو در آورده، زکی پور که درختگی نا پذیر سازمان ما و زرمندهای تا آخر وقت داره مردم و آرمانهای مردمیاش بود. او فتابی سوزان در شب تیره خفاشان جمهوری فندشربود، او را بر نمی تابیدند، پس خاموش ساختند.

بقیه در صفحه ۲

بیم و امید در گفتگوهای صلح

دروزهای پایانی شهریور ماه دیدار و مذاکره مهمی بین "دو اردشوارنا دره" و "جورج بولتزور"ی امور خارجه اتحاد شوروی و آمریکا در واشنگتن صورت پذیرفت که به یک توافق اصولی و مهم در زمینه صلح انجام مید. این توافق نا بودی موشکهای با برد متوسط و نیز موشکهای عملیاتی - تاکتیکی با برد کمتر متعلق به آمریکا و شوروی را شامل خواهد شد. که نا بودی قریب ۲۰۰۰ کلاهک اتمی را دربر خواهد گرفت. در این دیدار همچنین مسائل مربوط به محدود کردن و کاهش تسلیحات هسته ای و عسادی و شیمیایی مورد بررسی قرار گرفت و پیشرفتی در راه حل مسائل مهم دیگر از قبیل قطع آزمایشات اتمی نمایان گردید. طرفین قرار گذاشتند تا در هر سال جاری مباحث پیرامون مسائل کنترل آزمایشات هسته ای و حل مرحله به مرحله آن آغاز گردد. در این رابطه پیشنها داد اتحاد شوروی این بوده که در مرحله اول فقط به ۴ آزمایش اتمی در سال اکتفا شود.

وزیر امور خارجه اتحاد شوروی در سخنرانی خود در سازمان ملل متحد در پی توافقی فوق الظهار داشت که این امکان بوجود آمده است که بر سرکاهش بلاواسطه ۵۰ شرطی که قرار داد دفاع خدموشکی" که بین اتحاد شوروی و آمریکا در سال ۱۹۷۲ منعقد شده است، به اعتبار خود باقی بماند. این قرارداد آزمایش و استقرار سیستمهای خدموشکی در فضا را منع می کند. دولت ریگان اکنون تلاش می کند تا تغییرات قراردادها را برای انجام برنامه "جنگ ستارگان" بقیه در صفحه ۲

- از رنج و رزم جوانان در صفحه ۳
- درباره تبلیغات (۳) در صفحه ۹
- اطلاعیه مطبوعاتی احزاب کمونیست
- شرق مدیترانه و خاور نزدیک و میانه
- در صفحه ۱۰

- گرامی باد هفتادمین سالگرد
انقلاب سوسیالیستی اکتبر در صفحه ۷
- دولت فرهنگ ستیز در صفحه ۸
- یاران دیروز، قربانیان امروز "امام"
در صفحه ۱۰

- پیام پلنوم به کنفرانس دوم
حزب دموکراتیک خلق افغانستان
در صفحه ۲
- پیام کمیته مرکزی به مناسبت
سالگرد تاسیس حزب نواد ایران
در صفحه ۲

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرکز بر خمینی

پیام شادباش به کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت سالگرد تأسیس حزب

رفقای ارجمند!

چهل و ششمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را به شما و از طریق شما به همه اعضا و هواداران حزب توده ایران تبریک گفته و از مصمم قلب برای شما در پیگیر انقلابی علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه صلح، دموکراسی، ترقی اجتماعی و سوسیالیسم پیروزی های روزافزون آرزوی کنیم.

حزب توده ایران طی نزدیک به نیم قرن راهی پریشیب و قرارزای پیموده است. حزب غیرمتمن و توده های ددمنشانه امپریالیسم و ارتجاع و تهمسلسل قربانیهای بی شمار همواره برجم مبارزه خویش را در اهتزاز نگه داشته و به دفاع از طبقه کارگر و توده های زحمتکش میهن ما ایستاده است.

حزب توده ایران طی سالهای عمر خود، در اثنای عهده و ترویج فرهنگ ما رگسبستی - لنینینستی در میهن ما نقش بسیا مهمی بر عهده داشته، از حقانیت ما رگسب - لنینینسم و اشتراک سبونا لیسیم پیروتری دفاع کرده و علیه امپریالیسم و ارتجاع در راه بهروزی مردم ایران به مبارزه پرداخته است.

رفقای گرامی!

در حالی که رژیم ارتجاعی و استبدادی جمهوری اسلامی بدلیل نابودکردن انقلاب و سرکوب خواستهای توده های مردم هر چه بیشتر در میانه توده ها منفرد می شود، می گوید تا با تپکاری علیه حزب توده ایران و دیگر سازمانهای انقلابی مانع از نقش آگاهانه و سازمانگراانه ما در میان کارگران و دیگر زحمتکشان کشور گردد.

بورش و حشیا نه ساواک خمینی به سازمان ماطلی سال گذشته نیز به این دلیل و با خیال خام نابودی

تبراربان فدایی ... بقیه از صفحه اول

رفیق ذکی بور مبارزی بر سابقه بود. او در او خرد هه چهل به حشیا که بنیاد نگاران سازمان ماطلی افکندند، بیوست، از فتنان زمان بصورت سازمان یافته راه فداییان خلق را پی گرفت و در تمام رزم دلاورانه شان در سال ۵۱ به اسارت ساواک درآمد. در زندان با بنیاد نگارنا صدرا سازمان رقیب جزئی آشنا شد و در مکتب انقلابی او به تکمیل دانش سیاسی و مبارزاتی خود پرداخت. و با فداکاری و وضاعت ستودنی اش خیلی زود به یکی از سازمانگاران مبارزات فداییان سیاسی بسدل شد

و به اتفاق رفیق شهید بهروز ارغمانی در سازماندهی تشکیلات مخفی در زندان قزل حصار، با جداد ارتباط با خارج از زندان و رساندن آثار رقت، رقت، به سازمان نقش جدی و موثری به عهده گرفت و بی از راهی از زندان در تماس با سازمان، بیکار علیه رژیم شاه را بیکار نشاند و همداستانها را نیز با هم سازمان جنبش گردید. با اوج گیری جنبش انقلابی، رفیق تمام نیرو و امکانات خود را در خدمت اعتلای آن بکار گرفت و در جریان انقلاب شکوهمند پیروزانه فعالانه مشارکت جست. در روزهای قیام تاریخی ۲۲ بهمن در سنگرهای رزم انقلابی جنگید و با پیروزی قیام همانند همها هزار فدا نی دیگردر جنبش پیروزی توده ها اشک شوق ریخت.

بعدا ز قیام، رفیق محمود در دستا سازمان و در بخش کارگری به کار پرداخت و به صدها کارگر که در کلاسهای و شرکت می کردند، کمک نمود تا دانش سیاسی خود را افزایش دهند و چگونگی حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب را بیاموزند. وی از سازمانگاران نظرات بر شگوه اول ماه مه سال ۵۸ بود.

بعدا زیوروش ارتجاع به نیروهای مترقی و تعطیل دفا ترعلنی سازمان، رفیق محمود در بخش کارگری در رگات، مالی و ارتباطات وظایف متعدد و متنوعی را بدوش گرفت و همواره با دلسوزی، پشتکار و توانمندی تمام به انجام رساند و در پیروزی قیام از دستگیری مسئولیت خطیرت میهن ارتباط تشکیلات داخلی و خارج را بر عهده داشت.

رفیق ذکی بور در او خرسال ۲۶ بوسیله با ساداران ارتجاع درگیری شد و به اسارت درآمد. او را به جلدان شکنجه گاه رژیم سپردند. در کتبه درختن ترین فصل زندگی این رزمنده دلاور طی شد. چهار سال شکنجه و حشیا نه جسمی، چهار سال شکنجه همه جا نبه روحی و چهار سال عقاومت و ایستادگی حماسی، در حشیا نه همه انواع شکنجه را بکار گرفتند، اما نتوانستند محمود را درهم شکنند، او لب فرو بست و استوار باقی ماند. تا آخر باقی ماند. ایستاد و سخن گفت، با گردنی افراشته از شرف و حیثیت خود سازمانش، از عقاید و آرمانش دفاع کسرد.

سازمان صورت گرفت. اما هیچ چیز فا در نیست در عزم استوارانه ادامه نبردها پیروزی قطعی خلقی ارجا بدگند. رژیم هرگز فا در نیست در مقابل گسترش رزم انقلابی ما مانع بوجود آورد. حقانیت مبارزه انقلابی حزب شما و سازمان ما ارتجاع و امپریالیسم را در دستبیا به اهداف ضد مردمی خودنا کام ساخته و خواهد ساخت.

رفقای ارجمند!

جمهوری اسلامی با ادامه جنگ خانمان براندا ز، کشتار و حشیا نه صدها هزار نفر از مردم میهن ما در جبهه های بی سرانجام و تخریب امکانات اقتصادی کشور، میهن ما را به نابودی کشانده است. با فشاری رژیم بر ادامه جنگ ارتجاعی و تشنج آفرینی در خلیج فارس سبب شده است که امپریالیستهای بطور بی سابقه ای نیروهای خود را در خلیج مستقر سازند و توده های علیه کشور ما و دیگر کشورهای منطقه را به اوج رسانند.

جمهوری اسلامی با ادامه جنگ و سرکوب خشن آزادبیا و حقوق دمکراتیک مردم، حمایت همه جا نبه از منشی سرما به ادرمان و سیاستهای فدملسی خویش در مقابل با خلق ایران و مانع عمده هرگونه

تجول انقلابی در میهن ما است. راه رهایی مردم ایران از وضع اسفناک کنونی مبارزه متحد همه

نیروهای صلح دوست و انقلابی و دمکراتیک در راه براندا ز رژیم ولایت فقیه است. اتحاد دو یگانگی همه نیروهای انقلابی و دمکراتیک ایران گامی مهم و ضروری در این راه است. ما یقین داریم که تلاش پیگیر برای بسط اتحاد و همکاری های رفیقانه و برای تامین یگانگی فکری و سیاسی

مزدوران رژیم را در دستبیا به اسار سازمانش تا کام گذاشت و سرانجام در حشیا نه و شکست خورده، محمود، این هم رزم دلاور رفیق ارغمانی و شاکر دویا و رمیمی رفیق جزئی، معلم فروتن گارگان تهران، و مومرزوهای دشوار سازمان را بعد از پیش از دست سال خدمت بی شائبه به مردم کشور تیرنا وان گرداند.

با رفیق محمود را با تداوم راهش و با یبندی بیش از پیش به آرمان مشترکمان زنده بداریم. با دشمن گرامی و راهش پرهرو بداریم.

بیم و امید ... بقیه از صفحه اول

دست و پا کند. تلاش ریگان برای تغییر و تعدیل وسیع قرارداد مزدبورد کمیته امور خارجی مجلس نمای آمریکا با مخالفت مواجه شده است.

توافق اصولی میان وزرای امور خارجه اتحاد شوروی و آمریکا بویژه اینکه با خبریدار رفیق الوقوع رهبران دو کشور همراه بود، امیدتازه ای در دل جهانیان برانگیخت. اغلب رهبران و شخصیت های کشورهای مختلف جهان حصول موافقت اصولی فوق و کوشش هایی را که در راه تدوین قرارداد مربوط به تقلیل ۵۰ درصد تسلیحات استراتژیک و تعرضی بعمل می آید، موردتایید قرار دادند.

درست در همان روزهای مذاکره و حصول توافق و بلافاصله پرازان، توافقنامه سه مورد عملیات سخت محافظه کاران افراطی در آمریکا و ژنرالهای "نا توبی" فرا گرفت، که گویا توافقنامه فقط بسود اتحاد شوروی است. و به سیستم دفاعی غرب ضرر خواهد رساند، در حالی که در صورت عملی شدن توافق مزبور، اتحاد شوروی تعداد دیمرا تب بیشتری کلاهدک هسته ای در مقابل با آمریکا نابود خواهد کرد و تسلیحات هسته ای انگلیس و فرانسه هم دست نداشت باقی خواهند ماند.

هنوز یکماه از حصول توافق نگذشته است که جورج شولتز در سفر اخیر خود به اتحاد شوروی که برای ادا همه مذاکرات و استگتن بررسی دیدار رفیق الوقوع رهبران اتحاد شوروی و آمریکا صورت گرفته بود، در مذاکره با میخائیل گارباچف رهبر شوروی با اصرار بر اجرای برنام "جنگ ستارگان" عملا انجام دیدار را با مشکلاتی مواجه گرداند. "گاسپاروایان برگر" وزیر دفاع آمریکا و نیز ریگان با تاکید مجدد غیر مسئولانه بر انجام برنام دفاع استراتژیک (جنگ ستارگان) در آستانه توافق فوق نگرانی جدیدی را بر عا گردیدند.

در برخورد با مسائل ملی که فرا راه جنبش ما قرار میگیرد، بین سازمان ما و حزب شما، برای اتحاد و همکاری همه نیروهای مترقی کشور در جهت صلح، آزادی و برابرازی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به خلق، با سخنی درخور به بنیاد مبرم جنبش انقلابی کشور است.

ما از همه نیروهای ترقیخواه ایران می خواهم که به این ضرورت حیاتی با سخویند و مسئولیت خود را در مقابل جنبش انقلابی میهن انجام دهند.

رفقای عزیز!

برای سازمان ما اینکه حزب برادر، حزب توده ایران، بردشوار و ضربات سهمگین رژیم ارتجاعی و استبدادی جمهوری اسلامی فائق می آید و برای انجام مسئولیت های خویش آماده ترمی شود، مسرت بخش است. بنیاد جنبش انقلابی میهن ما است که صدای حق طلبانه کمونیستهای ایران رسا تر شود و همه پیروان سوسیالیسم علمی، همه کمونیستهای ایران در راه اهداف انقلابی و ترقیخواهانه خویش در رزم انقلابی علیه استعمار و استمگر و محرومیت، متحد، یکپارچه و پرتوان پیش روند.

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، با دیدگر چهل و ششمین سال بنیاد نگاری حزب توده ایران را به کمیته مرکزی و همه اعضا و هواداران حزب شما میمانه تبریک می گوید و برای حزب برادر پیروزی های بزرگ در مبارزه انقلابی پیش رو آرزوی کند.

با درودهای رفیقانه

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) مهرماه ۱۳۶۶

حمله تجاوزکارانه ... بقیه از صفحه اول

هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) از دولت هایی که عملیات تجاوزکارانه آمریکا را محکوم کرده اند تقدیر و بوسه دولتیهای که عمل آمریکا را موردتایید قرار داده اند شدیداً اعتراض می کنند.

هیات سیاسی با دیدگر موضع اصولی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در زمینه پشتیبانی از قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را موردتایید قرار داده و هرگونه تلاش برای ادا به جنگ و یا توسعه جنگ و نیز عمل حنا یکتا رانه بمباران شهرها را تحت عنوانی و از هرجا نبی که باشد بشدت محکوم می کند. آتش بس نباید لحظه ای هم به تعویق انداخته شود. جنگ با یدفورا وبدون قید و شرط قطع شود. دستبیا به صلح باید اوکل کلیه اختلافات دو کشور قطعاً از طریق مذاکرات و بیکار همکاری سازمانهای بین المللی امکان پذیر است. حل مساله جنگ از طریق نظامی هم چنان یکتا رانه و هم غیرممکن است.

مردم میهن ما توطئه های امپریالیسم آمریکا و نقشه های رژیم خمینی را با مبارزه هرچه قاطعتر در راه قطع بیدرتک جنگ خشن خواهند کرد.

مرگبار امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا زنده با صلح، زنده با دانی، مرگمور رژیم خمینی

هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ۲۸ مهرماه ۱۳۶۶

به برنامه های رادیو زحمتکشان ایران گوش فراد دهید

رادیو زحمتکشان ایران، صدای آزاده کارگران و زحمتکشان کشور و صدای برحق تمام محرومان میهن است.

رادیو زحمتکشان ایران روزها از ساعت ۷ بعد از ظهر به مدت یک ساعت روی امواج کوتاه ۷۰۰ کیلوهرتز، ۲۸ متر، ۴۹ متر و ۶۰ متر برنا می پخش می کند. این برنا به مدت ۸ ساعت ۸۰۰ متر و ۷۰۰ متر و ۷۰۰ متر تکرار می شود.

ساعت و طول موج رادیو زحمتکشان ایران، صدای رسای صلح و آزادی را بخاطر بسپارید. وقت و طول موج آن را به همه بگوید و در همه جا بنویسید. برای مگاتیبه با رادیو زحمتکشان ایران به آدرس تشریه "کار" ارگان کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) نامه بنویسید.

زندانی سیاسی، آزاد باید گردد!

پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به زندانیان سیاسی

رفقا و مبارزان دربند!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شما فرزندان جانباز خلق که در سیاهالهای رژیم رودری جلادان ایستادهاید و بیخاطر شرف و انسانیت می رزمید، درودهای آتشین می فرستد. مردم میهن ما مبارزه و مقاومت شما در اسارتگاه های رژیم را نمودار مبارزه متعالی خود علیه ارتجاع حاکم می دانند و در مقابل تسلط تالی های رژیم که می گوید از انکساری پایداری و قهرمانی شما در خارج از زندان جلوگیری کندمدای حق طلبانه و مبارزه جویانه تان را درجهان با زتابی دهدند. در یک سال ونیم گذشته رژیم تلاش کرده است با تکیه بر شما را بپنهان نگهدارد و نتواند از آوازه ایستادگی و رزم پرشکوهتان ازورای دیوار سیاهالهای رژیم بگذرد، اما رژیم در این کار ناکام ماند و چون با تان با تالی همه نیروهای مترقی افشا شود اعتراض وسیع محافل آزادیخواه را علیه رژیم برانگیخت.

مبارزان دربند!

یک سال از یورش رژیم زدیبلانه رژیم و با زداشت بیش از یک هزار زندمند فدایی می گذرد. سیاه مزدر با همدستی همه دستگاه های جاسوسی رژیم با همه نیروی تالی کردند که فعالیت انقلابی سازمان ما را متوقف کنند و بدین وسیله مردم را از اصلاح نیرومند خود در بیچارگی رژیم چهل و چنانیت فقها محروم سازند. علیرغم تلاشهای خونبار ارتجاع، سازمان ما با عزم استوار در راه چیرگی بردواری ها و مقابله با یورش های رژیم و تدارک گسترش هرچه قاطع تر نبرد علیه ارتجاع پیش می رود.

رژیم فقها برای ادامه جنگ خانمان براندازانه بسیج هر چه بیشتر نیرو و زمین نوجوانان و جوانان ننازدار داد. اما اکنون رژیم دیگری توانمند متبل گذشته به این کار اقدام کند. آنگاه روزافزون جوانان و نوجوانان و به ما هیت ضد مردمی حکومت فقها و اهداف عظمت طلبانه و دروغی آن در جنگ، مانع اساسی رژیم در بسیج نیروی ارتجاعی خواهد بود. لذا رژیم برای حل این مشکل مجبور شده است تا به سیاهالهای تازتری رو بیاورد. یک روزی این سیاست جدید ارائه می شود. متیارات به کسانی است که داوطلب حضور در جبهه ها شوند. این متیارات در مقابل همه با آینه بی چشم اندازی که به دلیل بحران همه جا نیست اقتصاد - اجتماع - در بر جوانان و نوجوانان ما قرار گرفته، روزنه باریکی را می گشاید. در واقع امری است که در آن حکومت از همان استیضالی که خود بوجود آورده اش بوده اند، به زشت ترین شکلی سو استفاده می کنند. روی دیگر این سیاست، همان به در برینه جمهوری اسلامی یعنی جاق، زور و تهدید است.

اگر تنها به تصمیمات حکومت در سال جدید در مورد سیاهالهای بسیج نیروی ارتجاع نظری بیفکنیم هر دو جنبه این سیاست به روشنی پیدا است. بر اساس منویبه شورای عالی آموزش و پرورش که در فروردین ماه امسال اعلام شد، در سال تحصیلی جاری دانش آموزان پسردر سال چهارم دبیرستانهای روزانه که در امتحانات خرداد دوشهری قبول نشوند برای سال دوم مجاز به شرکت در کلاسهای روزانه نیستند. در آفرین آنجا امتحان دیگری گرفته می شود. در این امتحان سوم قبول می شوند و به جبهه اعزام خواهند شد. این تصمیم به نفع سیاهال برودنی عمده ای از دانش آموزان بود که برای به تعویق انداختن اعزام به جنگگاه، حاضر به تکرار سال آخر دبیرستان بودند. در همان ماه

وزارت فرهنگ و آموزش عالی نیز اعلام کرد، دانشجویانی که حداقل سه ماه در جبهه باشند، به تسهیلاتی حتما قبول خواهند شد. در اردیبهشت ماه در مسیما مشترک مسئولین آموزش و پرورش و سپاه پاسداران طرح پاسدار - دانش آموزی و سپس رسید بر اساس این طرح از میان دانش آموزان سیاهالی سوم و چهارم متوسطه فرادرسورن سپاه برگزیده می شوند و به آنها کمک هزینه تحصیلی پرداخت می شود. آنها پس از اخذ دیپلم با بلافاصله جذب کادر سیاه می شوند. در آفرین آنجا " پاسدار دانشجو " خواهند شد. این افراد از زمان ابتدای پدیا سیاه پاسداران همکاری همه جانبه نمایند. در آغاز تا سطح رواج عمومی سیاه پاسداران اطلاعیه های اعلام کرد: " داوطلبانی که در کنگر شورسکرت می کنند، چنانچه تا آخر تیرماه به لشکر پاسان مدافع خلیج فارس بپیوندند، علاوه بر استفاده از تسهیلات رزمندگان در کنگر، مدت آموزش و حضورشان در جبهه جزو خدمت وظیفه عمومی محسوب خواهد شد. ۲۳ تیرماه در مجلس آخوندها طرح تصویب شده بر اساس آن کلیه کسانی که به سن ۱۶ سال رسیده اند، هرگاه به طور داوطلب در جبهه خدمت کنند، و مجموعه دوره آموزش و حضور آنها در جبهه

همزمان دربند!

جمهوری اسلامی در اترجنگ، ورشکستگی اقتصادی تشدید دشمنی با خلق، اختلافات روبه افزایش داخلی و فساد و جناحیت می پوسد و راه زوال می پیماید. رژیم برای حفظ حکومت خود از بحران که تارو بود جا مع را به لریه در آورده است و برای به تاخیر انداختن روز ستا خیر خلق، با ردیگر جوخه های اعدا م را برپا داشته است، آنها حتی علیه همکاران سابق خود نیز شلیک کشیده اند. در ماه های اخیر با ردیگر اطلاعات نگران کننده ای که از درون زندانها به خارج در ز کرده است، حاکی از اعدام فدائیان خلق و دیگر انقلابیون دربند است. اعدا م انقلابیون دربند، این رژیم را در میان خلق ما و در جهان بیش از پیش مطرود کرده است. آندیشه و آرزوی نا بودی رژیم در طلب و روح مردم ما بیش از پیش نفوذ می کند. خلق ما در دشمنی رژیم علیه زندانیان را سرانجام با پاک کردن لکه شنگ جمهوری اسلامی از دامن میهن پاسخ خواهد داد.

مبارزان زندانی!

بزرگترین نیاز جنبش مردمی ما، اتحاد ما در مترقی ایران علیه رژیم مبارزه می کند. پلنوم کمیته مرکزی سازمان ما در راستای تحقق این هدف نقش سنگینی را بردوش گرفته است. تا زمان ارتجاع بیکر ز منگان خلق ما را به عقیده ای، به یکسان می دزد. سنگرزندان گویای این حقیقت است که اختلاف موجود نسیا بدما نغ همگاری و عمل مشترک در برابر دشمن مشترک گردد. به دشمن نیاید اجازه داد که در صفوف انقلابیون تفرقه افکند و از آن برای تضعیف جنبش، بهره گیرد. مسئولیت انقلابی و عقل

کمتر از سه ماه نباشد، این دوره جزو خدمت دوره ضرورت آنها محسوب خواهد شد. در شهریور ماه نیز قانونی به تصویب رسیده که به خانواده های که جوانانشان را به جبهه اعزام می کنند، کمک مادی پرداخت شود. تمام این نقشه های که در برابر شما در واقع دانه با شیدن برای نوجوانان، جوانان و خانوادها ی زحمتکش شان بود تا برای نجات یافتن از قفسر بیگاری و بدو واقع مرگ تدریجی، حضور در جبهه های مرگ را انتخاب کنند.

از رنج و رزم جوانان

اکنون به بررسی حربه زور و تهدید توسط رژیم چماقداران برای شکار جوانان در چندماه گذشته بپردازیم. ۱۵ تیرماه از سوی سیاه پاسداران اطلاعیه ای مکرر از دیوخواه شده شود اعلام گردید: " تا توجه به منویبه مجلس شورای اسلامی جهت دستگیری مسئولین غایب و کارفرمایانی که آنها را به کاری می گیرند، از امروز سیاه با شدت عمل بیشتری اقدام خواهد کرد. به این منظور ستاد جهت جذب مسئولان و جلب مسئولین فراری و غایب در ستاد مرکزی سیاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل شده است. " در سلسله عملیاتی که در تهران و شهرستانها برای دستگیری مسئولان غایب توسط سیاه انجام گرفته هزاران جوان قربانی خواهند شد. در راه چون جنگ طلبی سران رژیم قربانی شوند، به زور به پادگانهای نظامی گسیل شدند. سیاه پاسداران در اطلاعیه دیگری به همه جوانان کشور خطا کرد: کلیه افراد ذکور در سراسر کشور که سالهای مسئولیت هستند، باید دگوشی با مدارک حاکمی از پان یا عدم مسئولیت خویش به همراه داشته باشند؛ اداره وظیفه عمومی در آیین نامه جدیدی که در تیرماه منتشر کرد، اعلام داشت: " برای مسئولین غایبی که خود را معرفی کنند ۳ ماه خدمت اضافی بعنوان جریمه پیش بینی شد و برای آن دسته از مسئولان غایبی که توسط مراکز نظامی دستگیر می شوند، ۶ ماه اضافه خدمت مقرر گردیده است."

ستاد جنگ آموزش و پرورش در اجلاس ۸ بهمن ۶۵ تصمیم گرفته بود که: از هر دبیرستان و مدرسه راه نمایی حداقل ۴ دانش آموز داوطلب - به همراه ۲ نازپرست داوطلب - راهی جبهه های نبرد با دشمن خواهند شد. " مدت حضور این قربانیان بین ۴۵ روز تا ۳ ماه در جبهه در نظر گرفته شده بود. برای تضمین افزایش این تعداد، ستاد جنگ آموزش و پرورش تصمیم تازه تری گرفت. یکی از مسئولان این ستاد در ۲ تیرماه در گفتگویی با روزنامه همسایه اعلام داشت: " در سال تحصیلی جاری، طرح سازمان رزمی دانش آموزان با اجرای صحیح و آت آموزش نظامی به اجرا گذاشته می شود. در اجرای این طرح هر آموزشگاه به یک پادگان تبدیل خواهد شد. فرما ندان آن از معلمین آموزش دیده و جبهه

سلیح حکمی کند که در برابر دشمن، بیکار رجی مبارزه همه ما حفظ و تحکیم شود. دست در دست یکدیگر و با زور و با زوی هم می ایستیم و روز سرنگونی این رژیم بلیدرا نزدیک و نزدیک تر خواهیم ساخت. اتحاد شرط پیروزی است.

رفقا و همزمان زندانی!

تاریخ به خون آغشته کشور ما رسالتی سترک بر عهده شما گذارده است، رسالتی که اینک شما با خون خود تراپاس می دارید. شما با ایستادن خود با رزم خود، دشمن را خوار می دارید و با خون و شیر جان خود در فتن رزم خلق را برافراشته اید. ایران و جهان می دانند که امروز نوک سرنیازه استبداد دوا رتجاع بیش از همه و بیش از هر کجا جهان برسیه شافشرده می شود. خوش حمایت از رزم حماسی شما در ایران و جهان هر روز بر تیرتین افکن می شود. میلیونها مردم ستمدیده ایران پشتیبان هدفها و مبارزات ما و بر ضد رژیم ارتجاع اند. راه مابوسی پیروزی هوار میگردد. با ردیگر در زندان و بیسن، در زندان ایران، گشوده خواهد شد و آزادی و صلح و عدالت بر کشور ما حکمروا خواهد گشت.

درود آتشین بر زندانیان سیاسی
تنگ و فشرت بر رژیم ارتجاع
پیروز بسا دمبارزه خلق

پلنوم کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مهرماه ۱۳۶۶

رفته انتخاب می شوند. در مردادماه نیز به تصویب شورای عالی پشتیبانی جنگ، چند واحد درسی جدید، به نام " انقلاب و جنگ " به تعداد واحدهای اجباری که دانشجویان دانشگاه های کشور باید بگذرانند افزوده شده دروس علمی آن درجبهه تدریس خواهد شد.

بیشترین فشار در دوره اخیر بر فرزندان زحمتکشان دهقانان بوده است آنها با استفاده از شرایط زندگی که در روستاها دارند، بیش از دیگران خواسته اند از زیر بار " اجباری " شانه خالی کنند و بزرگترین عده پشتیبان نظام وظیفه را تشکیل می دهند. اطلاعیه ۳ تیرماه رژیم مبنی بر دستگیری خانواده مشمولین فراری، بیش از هر کس متوجه خانواده روستاییان جوان بود. در واقع

این اطلاعیه، صورت قانونی دادن به گروگان گیری والدین مشمولان فراری در روستاها بود، که از مدتی قبل از آن آغاز شده بود. از اندامری و نیروهای فرسنتی سیاه که از دستگیری و اعزام این جوانان نا امید شده بودند با گروگان گیری خانواده ها تلاش دارند تا فراریان از " اجباری " رهایی یابند. این ابطال دفترچه آرزاق خانواده مشمولین گایب در روستاها نیز در سلسله همین اقدامات بود.

همه اقداماتی که برشردیم، نشانه ضعف و زبونی رژیم برای بسیج نیروی نداشتند به بالا رفتن روحیه مقاومت و امتناع در میان توده های جوانان و نوجوانان است. آنها مدت است که می بینند برادر، دوست، همکلاسی، همولایتی و هممخلائشان را با تطمیع و تهدید می برنویسند یا زدن تمام بارها و جنازه های شاد را بر می گردانند یا برای تمام عمر معلول و زکا را فتنه تحویل میدهند. سیاه اردوگاه های آسرا عراقی می سپارد و با سزا و محقودا لایرهای می شوند که هیچ نشانه ای از آنها در روزگار باقی نمی ماند. آنها برای گریز از این سرنوشت شومی که سران جمهوری اسلامی برای ایشان تدارک دیده اند به هر ترتیب ممکن از رفتن به سرپای و حضور در جبهه امتناع می کنند. فضای سی که اکنون در پادگانهای آموزشی و مناطقی عملیاتی میان جوانان وجود دارد، به سفره گرفته شدن مزدوران سیاسی - ایدئولوژیک و طردو انزوا آنها، پر خاشاک علیه فرماندهان مزدور، امتناع از شرکت در محلات و اعتراض به اهداف ارتجاعی این جنگ، همگی نشانه های روحیه ای است که از برقراری صلح دفاع می کند. این جنبش مقاومت و امتناع جوانان که روز به روز در حال گسترش است، می توانستد ما شین جنگی رژیم را فلج کند. با پدیا حمایت و پشتیبانی از جوانانی که از خدمت وظیفه فرار کرده اند، با سازمانگری حرکات اعتراضی علیه جنگ در پادگانها و جبهه ها و در عین حال آگاهگری دلسوزانه در میان نوجوانانی که شیطان جماران هنوز هم می تواند فریبشان دهد، جنبش صلح را در میان جوانان گسترش داد. مبارزه جوانان علیه جنگ از حلقه های موثرشاری است که در داخل کشور و سراسر جهان بر سران جنایتکار رژیم خمینی وارد می شود تا به این جنگ خانمان برانداز پایان دهند.

پیام شادباش پلنوم به ک- م حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت هفتاد مین سالگرد انقلاب کبیر اکتر

رفقای گرامی!

کمیته مرکزی سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت) بفرخنده‌ترین و صمیمانه‌ترین تبریکات و درودهای خود را به مناسبت هفتاد مین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتر به شما، به حزب و کمونیست و دولت و خلق شوروی ابراز می‌دارد. انقلاب اکتر که با با زوان توانای طبقه کارگر روسیه و رهبری بلشویکیا و لنین کبیر به پیروزی رسید، شکاف و لرزه عظیمی بر بیکر نظام پوسیده سرمایه داری جهانی وارد آورد و با استقرار نظام نوین سوسیالیستی و گذشتن دوران جدیدی در تاریخ، دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم و کمونیسم سیمای تاریخ و حیات بشریت را در گریه نمود.

با پیروزی اکتر در سرزمین پهناور روسیه نظامی بی افکنده شد که برای همیشه به سروری استعمارگران و استبدادگران منقطع با این گذشت و خلق شوروی حق دار خود بود بلکه سعادت آغساز ساختمان دولت شوراها و آغاز دوران نوین در تاریخ جهان، دوران سلطه طبقه نوین را نصیب خود کرد.

انقلاب اکتر و دولت جوان برآمده از آن برای اولین بار مناسبت جدیدی بین دولت ها بر اساس احترام متقابل عدم مداخله در امور یکدیگر، همزیستی مسالمت آمیز و محن همجاری بی ریخت و با اعلام "فرمان صلح" از همان فردای پیروزی انقلاب اکتر نوید دهنده صلح و سعادت بشریت گردید. با ایجاد نخستین دولت سوسیالیستی، پرولتاریا و جنبش کمونیستی و کارگری جهان از پشتوانه نیرومندی برخوردار شدند و جنبش های آزادیبخش ملی سرسرجان نیروی تازه ای یافتند. جنبش های آزادی بخش در خارج از سرزمین از جمله ایران با الهام از پیروزی انقلاب اکتر و برپا برداشتن از پیشانی دولت شوراها روح و کیفیت جدیدی گرفتند. مردم مین با هیچگاه اقدام دولت شوروی و لنین بزرگ را که همه قرائدهای استعمارگران و دولت استواری با کشورها را بی اعتبار اعلام داد آنرا از یاد نخواهند برد. مردم ما علیرغم تبلیغات زهر آکین و کینه توزانه امپریالیسم جهانی و ارتجاع ایران علیه

کشور شوراها و انقلاب اکتر، همواره اتحاد شوروی را دوست، متحد و پشتیبان بزرگ خویش می شناسد.

رفقای گرامی!

اکنون ۷۰ سال پس از رویداد بزرگ و تاریخی اکتر به جا صدها کشورهای سوسیالیستی بمناظره ابدی قدرت متحدان شما، که یک سو جمعیت گره زمین را در بر گرفته است، بر زمین استوار مناسبت تولیدی و اجتماع سوسیالیستی و بهره گیری از امکانات جدید و تجاری بر سرشایحیت دهها ساله خونخواره های جدید تری را برای تا مین هر چه بیشتر عدالت اجتماعی در جوامع شان دنبال می کنند. دستاوردهای تاریخی کشور شوراها و دیگر کشورهای سوسیالیستی در این سالها محو استعمار، برابری خلقها و تا مین عدالت اجتماعی قرار دارد، مایه الهام و مشوق زحماتشان را سرسرجان در مبارزه شان بخاطر تا مین سعادت و عدالت اجتماعی است. تحولات مترگسی که هم اکنون در جامعه شوروی در حال وقوع است و تلاش سختی که از جانب حزب و دولت شما دنبال می شود، امیدهای با زهم بیشتری را در دل زحمت کشان جهان برمی انگیزد. حاصل همه این سخنان کوشش و تلاشها نه فقط در خدمت تا مین زندگی سعادت مند تر برای مردم شما، که در خدمت حفظ حیات و تمدن بشری و حفظ و تحکیم صلح جهانی است. این تحولات بی تردید بر رشد و تکامل روح و انقلاب جهانی و بر تحقق اهدافی که مبارزه نیروهای انقلابی و دموکراتیک در سرسرجان بخاطر آن گسترش می یابد، تا شیرخواه ها هتک است. روند نوین زی در اتحاد شوروی به مثابه ادامه راه اکتبر، که هدف توک کردن تمام جوانب حیات اتحاد شوروی و آشکار کردن هر چه بیشتر خلعت پیرو و پیشرو است تا نظام سوسیالیستی را در تمام جوامع دنبال می کند، با اتکا بر خلاقیت توده ها و رشد و تکامل همه جا نه تر دموکراسی و خودگردانی سوسیالیستی، تحکیم تضابط و نظم و گسترش علنیت، راه خود را موقفانه می کشد.

رفقای ارجمند!

کمیته مرکزی سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت) در شرایط بحرانی واقع کنونی جهان

پیام پلنوم به کنفرانس دوم حزب دموکراتیک خلق افغانستان

رفقای گرامی!

رفقا نه ترین و خوشترترین درودهای ما را بپذیرید. پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت) از اینکه دومین کنفرانس سراسری حزب برادر، حزب دمکراتیک خلق افغانستان در روزهای آتی برگزار می شود، شادمانی بی شائبه خود را اظهار می دارد و با شادباش های گرم و پرشور برای آن اعلام اهمیت تاریخی شما موفقیت و پیروزی آزومی کند.

دومین کنفرانس سراسری حزب دمکراتیک خلق افغانستان در شرایطی برگزار می شود که اوضاع جهان و منطقه ما، قسلاً از هر چیز با برنجی فزاینده آن مشخص می گردد. اهمیت تاریخی دومین کنفرانس حزب برادر ما از آنجا ناشی می شود که در نتیجه این کنفرانس جنبش کمونیستی برای آزومی در افغانستان مستقل و موافقی که فراروی شکوفایی افغانستان مستقل و آزادتر را در راه می کشد. ما اطمینان داریم که اجلاس سکو مند شما به آنچه که در دستور خود دارد در برتو فشرده تر ساختن صفوف رزمندگان حزب به سوسیالیستی تمام با سخاوت خواهد گفت. به سیمای ملی و مردمی جدید دمکراتیک خلق افغانستان درخشش تازه خواهد بخشید و بیوند حزب را با توده های میلیونی افغانستان مستحکم تر خواهد ساخت.

رفقای عزیز!

عمده ترین و خطرناکترین حلقه در سلسله زنجیر توطئه های دشمنان سردم ما در این زدن به تفرقه و جدایی در میان آنهاست. در راهی وظایف ما - پیشگامان خلق - تا مین یگانگی، اتحاد و اتفاق در میان توده های خلقی و در صفوف همه نیروهای سوسیالیستی است که به صلح و سعادت مردم اندیشه می کنند و استعداد آنرا دارند که در راه مترگ و شرافتمندانانی که برگزیده ایم همراه و همگام ما باشند. پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت) از اینکه بخردمندانه حزب دمکراتیک خلق افغانستان، از مین ما محله ملی، که اتفاقاً صلح جهانی به خلق آزاد افغان آماج مقدس آن است قاطعانه خلق بشپهانی می کند، ارزیابی ما این است که شش محله ملی، ملی صلح، دوستی و برابری هم

که محافل نظامی - صنعتی امپریالیسم همچنان بر گسترش تولید و ذخیره انواع سلاحهای کشتار جمعی پای می نشینند و با تلاش دیوانه واری با هدف کسب برتری نظامی بر اتحاد شوروی جهان را به لبه پرتگاه جنگ هسته ای می کشانند، از مایه مسئولانه و همه جا نیه حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی در راه تا مین امنیت و صلح جهانی، قاطعانه حمایت می کنند و مبارزه پیگیر در راه دستیابی بشریت به صلح پایدار را وظیفه همه نیروهای مترقی جهان می شناسد.

امپریالیسم آمریکا با بهره گیری از جنگ ویرانگر ایران و عراق که محاسب پر شمار بر مردم دو کشور تحمیل کرده است به لشکرکشی بی سابقه ای در خلیج فارس دست زده است. استقرار بیش از ۸۰ هزار نفر سرباز و همدم در منطقه را نشناختن میز کرده است. مردم مین با گذر از جنگ خسته و بیزار شده و خواهان پایان هر چه زودتر آن هستند، حضور نیروهای نظامی امپریالیستی را در خلیج فارس محکوم می کنند، سیاست خروج نیروهای نظامی خارجی از منطقه خلیج فارس و قطع بلادرنگ جنگ که از جانب اتحاد شوروی مسئولانه دنبال می شود، مورد تأیید و حمایت مردم مین است.

رفقای عزیز!

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت) با ردیگر آزومی همه اعضا و هواداران سازمان، طبقه کارگر و همه مردم ایران، گرم ترین تعینت های خود را بمناسبت هفتاد مین سالگرد خست انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتر به حزب کمونیست و خلق شوروی اعلام می دارد و توکامل هر چه شکوفان تر سوسیالیسم را در سرزمین شوراها آزومی کند.

بازنده با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتر با برابری دوستی خلقی ایران و شوروی با پیرو فرخنده درودهای کمونیستی پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت)

کرده است. اکنون جنگ افروزی های تبهکارانه رژیم فقی خلیج فارس را به جولانگاه ناوهای آمریکا بی و متحدین تا مین آن مبدل ساختند. خطر گسترش جنگ در سراسر آسیای خلیج همچنان روبه افزایش است و بشریت را در آستانه یک فاجعه بین المللی قرار داده است. کمیته مرکزی سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت) همانگونه که با راه اعلام کرده است، لشکرکشی های نظامی به منطقه و هرگونه راه حل نظامی برای جنگ را شدیداً محکوم می کند. پشتیبان تلاشها و با تکیه بر راه آزومی برای ساله جنگ هستیم. از قطعنامه شوروی امنیت و از تلاش های دیپلماتیک سازمان ملل در راه برقراری آتش بس و استقرار صلح میان دو کشور قاطعانه پشتیبانی می کنیم، و از همه دولتها، مجامع بین المللی و نیروهای صلح دوست و ترقیخواه جهان می خواهیم که از خواست عادلانه مردم مین ما مبنی بر قطع جنگ و استقرار صلح و خروج همه نیروهای خارجی از خلیج فارس حمایت کنند.

رفقای ارجمند!

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت) می کوشد از طریق یافتن با سخای اصلی برای مسایلی که فراروی خود دارد، وحدت صفوف سازمان را استحکام ببخشد و با تکیه بر آن برای وحدت جنبش کارگری و کمونیستی ایران و نیز اتحاد رزمجویان همه نیروهای ترقیخواه کشور علیه امپریالیسم و ارتجاع را به بکشد. ما متک می دانیم که حفظ و تحکیم وحدت در سازمان های مایگانه تضمین مطمئن دستیابی مردم هر دو کشور ما به صلح و سعادت با زکشتن با پذیر است.

اجا زده هدیه با ردیگر برای اجلاس تاریخی کنفرانس دوم حزب برادر، حزب دمکراتیک خلق افغانستان موفقیت آزوم و پیشاپیش پیروزی اقدام تاریخی شما در برگزاری این کنفرانس و توفیق آن در اتخاذ تصمیم مهم قفرا فرین را تعینت بگوییم.

هر چه مستحکم تر با دیوانه گری گسست با پذیر حزب دمکراتیک خلق افغانستان و سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت)

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت) مهر ماه ۱۳۶۶

پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اعضاء و هواداران

رفقا!

توده‌های مردم برای ثروفلات اقتصاد کشور که بطوروفته‌ناپذیرا بعباد زرفتری می‌باید وضعیت سخت و طاقت‌فرسا بی‌سر می‌برند، مردم در برابر فقر و سیه‌روزی که رژیم ولایت فقیه به آنها تحمیل کرده است می‌خواهند عدالت اجتماعی بی‌برونگی آنها را من گسرد. شدیدتفا‌دهای اجتماعی و عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی در جامعه از یک سو و عمق بیگانه‌گی رژیم خمینی با مطالبات مردم و نیازهای رشد جامعه از سوی دیگر، زمینه‌های عینی گسترده‌ای برای گسترش فعالیت انقلابی و سازمان‌نگارانه ما پدید آورده است و همه واقعیت‌ها حکم می‌کنند که در برابر سرنوشته میهن و مردم خود عمیقاً احساس مسئولیت کنیم و با متحد کردن همه سازمان‌ها و نیروهای انقلابی، دمکرات و ترقیخواه، بمنظور استقرار صلح و دموکراسی و سرنگونی رژیم ارتجاعی ولایت فقیه به مسئولیت تاریخی خود ادامه عمل بی‌وقفه کنیم.

متأسفانه در برابر چنین مطالبه‌ای، سیر و پدید آمدن سازمان‌های چپ ایران حاکی از گسترش پراکنده‌گی‌ها و تفرقه‌هاست. توانایی سازمان‌ها در غلبه بردن‌های‌ها بی‌کی‌فیتی که فراروی آن قرار دارد در درگیری‌ها و همگرا بی‌در جنبش چپ ایران و ارتقای نقش و تاثیر آن در پدید آمدن سازمان‌های چپ‌گرا را پذیرا است. همه واقعیاتی که جنبش سازمان‌ها را احاطه کرده‌اند نشان می‌دهند و نشان داده‌اند که در پیشرفت تلاش‌ها در راه نزدیکی نیروهای چپ و همه نیروهای ترقیخواه کشور سازمان ما نقش بی‌بدیلی بر عهده دارد. پلنوم کمیته مرکزی تا کیداردکسب در انجام وظایف ما در جنبش‌ها کارگری و کمونیستی ایران و در پی آن در انقلاب فداکاری می‌باید - دمکراتیک مردم‌پسند، در راه استقرار کمیته خلق، تا مین‌عدالت اجتماعی و پیشروی بسوی سوسیالیسم، حفظ وحدت رهبری و یکپارچگی رزمجویان سازمان اهمیت اساسی دارد.

پلنوم همه‌کارها و اعضای سازمان را به تلاش مسئولانه برای حفظ و تحکیم وحدت و یکپارچگی سازمان فرا می‌خواند و یادآوری می‌کند بدون باور عمیق به توانایی سازمان در حل مسایل جنبش پاسا‌ری از زوئیت انقلابی و وحدت و یکپارچگی سازمان پرافتخار ما غیرممکن است.

رفقای عزیز!

در یکی از حساس‌ترین مقاطع حیات سازمان پلنوم قادر گردید - بسبب مسایلی که پیش روی خود پیدا کرده بود، با موفقیت پاسخ بگوید، با برگزاری موفقیت آمیز پلنوم مهرماه ۱۳۶۶، در راه دستیابی به گسترش‌های بی‌برونگی کشور که فدائیان خلق را حول اسناد مصوب خود متحدتر سازد و در فرجام آن، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) یکپارچه‌تر و نیرومندتر از همه پیشینه در میدان‌های نبرد قرار داد. گام ما بلندی به پیش برداشته شد. تجربه‌ای پلنوم تا بی‌گذرد که تلاشهای مسئولانه کمیته مرکزی در راه پاسا‌ری ای دست به مسایلی که فراروی سازمان قرار دارد، می‌تواند پدید آورد و وحدت صفوف آن و مجموعه سازمان را تحکیم ببخشد.

رفقا!

پلنوم کمیته مرکزی همواره با پرشورترین درو‌ها تک‌تک شما را به مشارکت هرچه‌فعلی‌تر در راه تحقق تضمینات پلنوم، به تحکیم صفوف خود حول آن، بسبب تلاش هر چه مسئولانه‌تر در راه کار بست مسئولانه‌ها سنا‌ه جدید، کار بست صحیح و خلاق اصل سازمان را تسلیس دمکراتیک، کار بست هر چه آگاهانه‌تر از حد اکثر انضباط همواره با تلاش هر چه مسئولانه‌تر برای گسترش دمکراسی درون سازمان و به مشارکت خلاقانه در مباحثاتی که حول برنامه در سازمان جریان می‌یابد فرا می‌خواند.

ما دست‌درست هم‌زیر آتش لاینقطع دشمنان راه پرفراز و نشیب هفده‌ساله را پیموده‌ایم، تجربه‌ها ما آموخته‌است که راه عبور از پیچ و خم‌های تنگ و دشواری که فرا زون‌تیب جنبش فرا روی ما قرار می‌دهد، همیشه با استواری و شجاعت و ایمن و به‌پروزی، که با نام و قلب و روح فدایی خلق سرشته‌است، هموار گردیده‌است. تحکیم پیوند میان ما با توده‌های زمین‌خوار، با سازمان‌ها و آرمائیه‌های آن همواره ما را در گذر از تشدید پیچ‌ها و دست‌تیبی به مرحله‌نوبتی از تعالی و تکامل معنوی یاری داده‌است. امروز نیز ما همین وظایف را در برابر ما قرار داده‌است. مبارزه مستعدانه‌ایان خلق ایران با یقیناً قادر است راه تحقق آرزوی میهم خلق ما برای سرنگونی رژیم و استقرار صلح و دمکراسی را هموار و هموار تر و پر پیروزی آن سر ولایت فقیه را نزدیک تر و نزدیک‌تر سازد. پیروزی از آن ما است.

سرنگون سازد رژیم جمهوری اسلامی
پلنوم کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
مهرماه ۱۳۶۶

درو‌های آتشین کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شما فدائیان خلق که علیرغم یورش ددمشانه رژیم خمینی درفش پرافتخار سازمان خود را همچنان افرشته نگاه داشته‌اید، ایستادگی دلاورانه‌ها و رزم فداکارانه شما پشتوانه تلاش کمیته مرکزی در حفظ و تحکیم وحدت رزمجویان نه صفوف سازمان است. پلنوم کمیته مرکزی سب‌های رفیقانه خود را شما رشتا فرزندان راستین خلق می‌کند.

رفقای عزیز!

رژیم ارتجاع با تمام نیروی جهنمی خود می‌کوشد از ادامه فعالیت و نفوذ انقلابی فدائیان خلق بگاهد. یورش جتایکتا رانه رژیم خمینی در تابستان گذشته به تشکیلات ما و اعمال شکنجه‌های وحشیانه علیه ما ز داشت‌شدگان بی‌انگاریان تلاش ضد مردمی و نیزه‌های ارتجاع از نقش انقلابی فدائیان خلق بر سازمان‌نگری و هدایت مبارزات کارگران و زحماتشان کشور است خمینی ناگزیر از آن است که خیال خامش ساختن بانگ صلح و آزادی و استقلال و عدالت که در رزم خروشان ما طنین افکن است را به‌گورسپارد. ما در راهی که به ما سر بلندی و افتخار، آگاهانه و دلاورانه انتخاب کرده‌ایم قدم‌بست نخواهیم کرد. آتش نبرد علیه رژیم خمینی، علیرغم شکنجه‌ها و اعدام‌ها شعله‌ورتر می‌گردد.

پلنوم کمیته مرکزی تلاش در راه حضور و گسترش فعالیت انقلابی فدائیان خلق در عرصه مبارزه توده‌های راضی‌عمده و دراز مدت سازمان شناخته و از همه شما می‌خواهد که با کار بست دقیق و هشیارانه اصول کار مخفی و روشمندی‌ها که بمنظور بازسازی و تحکیم واحدهای تشکیلات رایب شده و می‌تواند سرگویی ارتجاع به مقابله بر خیزد و همه نیروی عزم و اراده و آگاهی انقلابی را با یکا رگرفتن همه امکانات و ابکتا رها در خدمت تحکیم و ادامه کاری واحدهای خود قرار دهد.

همه واحدها در سراسر کشور در رو‌دهای آتی همچنان موظفند قبل از همه امنیت خود را حفظ کنند و ارتباط خود را با رهبری تا مین و تحکیم‌نما بند، حفظ و گسترش فعالیت سازمان در میان توده‌های کشور ما در گرو توجه دقیق بسبب این رهنمودها است.

رفقا!

جنگ خانمانسوز و سیاسی جنگ افروزانه رژیم ولایت فقیه آماج نرفت ستیزنده مردم میهن ما است. در اس‌وظایف فدائیان خلق سازمان‌نگری مبارزات مردم علیه جنگ است. ما خواهان قطع بلادرنگ و بدون فیدو شرط جنگ و استقرار صلح هستیم. رژیم خمینی با ادامه جنگ و گسترش آن به‌آب‌های خلیج فارس به گسترش حضور و نیروهای نظامی امپریالیسم آمریکا یاری رسانده است. چگونگی برخورد با نیروهای جنگ بعد از زخمون کشی امپریالیسم آمریکا و هم‌دستان آن به خلیج فارس اهمیت و حساسیت از همه پیش‌تر می‌باشد. اولاً سب‌ار مهم‌است که همه فدائیان خلق در سنگر مقدم مبارزه بخاطر قطع مداخلة و حضور نظامی آمریکا در جنگ و در خلیج قرار گیرند. ثانیاً با پدید آمدن هشیار بود که رژیم خون‌ریز خمینی حضور مداخلة نیروهای آمریکایی در منطقه را برای توجیه سیاستهای خائنانه و جنگ افروزانه خود دستا ویز قرار دهد، ثالثاً و مهم‌تر از همه آنکه با پیدما جیتا و جوانب سیاست و تاکتیک ما متوجه تا مین یک هدف یعنی آتش بس فوری و حل همه مسایل از طریق سیاسی گردد. وظیفه ما است هر چه بل و ترقی‌دهی که رژیم خمینی برای فرار از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بساری شعله‌ورتر نگاه‌داشتن آتش جنگ بگاری می‌گیرد، افشا کنیم.

رفقا!

رژیم ترور و اختناق در میهن ما پیدامی‌کند. فقط در یکسال گذشته بیش از ۱۰۰۰ نفر دیگرا ز رفقای ما را جلادان خمینی با اسارت برده‌اند. هزاران نفر رزمنده و مبارزان را دست‌بسته سازمان‌های چپ و عنا مردم‌گرا و مترقی‌ها صلح دوست و مخالف رژیم در زندان‌های خمینی اسیرند. بخصوص طی یکسال گذشته مفاومت مبارزه زندانیان سیاسی، این گوهرا نوروزان و شب‌شکن میهن ستمدیده ما با رده‌گسترش رژیم ارتجاع رایب نرزه در آورده‌است. دفاع بیکسیر جاتانه بهر شکل ممکن و در هر زمینه‌ای از زندانیان سیاسی تحکیم پیوند با مفاومت زندان و درس‌آموزی از زندان امروز در پیوند تنگاتنگ با نیازهای رشد جنبش، تا مین شرایط ادامه‌کاری و ارتقای قدرت زندان‌نگی آن قرار گرفته‌است. پلنوم کمیته مرکزی با رده‌گسترش اهمیت پشتیبانی فعال از مبارزانی که در زندان جریان دارد، برا اهمیت حمایت از خانواده‌زندانان سیاسی، برافشای هر چه بسبب ترجیحات رژیم در زندان‌ها و برا اهمیت حفظ پیوند نزدیک با زندان‌نگی کرده، همه‌اعضا و هواداران سازمان را به انجام مسئولانه وظایفی که در این عرصه در برابر برعهده‌است، فرا می‌خواند سازمان‌های خارج از کشور نیز با پیش‌قدمی خود در دفاع از زندانیان سیاسی ایران در مرکز توجه قرار دهند.

اطلاعه‌دیبرخانه...

فعالیت انقلابی درس گرفته‌شود. مساله مرکزی موردتاکید پلنوم در تودین مشی تشکیلاتی سازمان برای شرایط ترور و اختناق فعلی آن است که واحدها بکوشند ای سازمان‌ها با بندگه هم‌شرایط ادامه‌کاری آنان در دراز مدت تا مین شود و هم‌پیوند مستقیم آنان با محیط‌های کار روزندگی، با طبقه‌کارگر و دیگرتوده‌های زحمتکش و تقویت شود. پلنوم سب‌در ادامه کار خود یک رشته قرارهای ضرور در زمینه حفظ امنیت سازمان و تحکیم انضباط در صفوف آن رایب تصویب رسانید.

پلنوم مسایل مربوط به سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی دستگاه رهبری سازمان را نیز مورد بررسی قرار داد. در این رابطه ترکیب هیات سیاسی و هیات دبیران و نیز کمیته و رول کمیته مرکزی رفیق فرخ بگهدار را ابقا کرد. پلنوم در پایان

کار خود قرار نتشار ریپام‌های زیر را مورد تصویب قرار داد:

- ۱- پیام به مردم ایران
- ۲- پیام به اعضا و هواداران
- ۳- پیام به زندانیان سیاسی
- ۴- پیام‌ها فدائیان به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به مناسبت انقلاب اکتبر

دبیرخانه کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
مهرماه ۱۳۶۶

پیام اجلاس کمیته مرکزی سازمان به مردم ایران

برای صلح، برای آزادی پیکار کنیم!

جنگ افزایش دهیم، نباید بیداریم حتی یک روز دیگر جنگ ادامه یابد. نباید بیداریم جوآنیک ما بخاطر دشمنان ما کشته شوند. این ما هستیم که باید بیدار عمل را در قطع جنگ داشته باشیم. باید مبارزه در راه صلح را به مبارزه همه جانبه علیه استبداد ارتجاع، به مبارزه در راه نابودی رژیم ارتجاعی و ولایت فقیه پیوند دهیم.

هموطنان!
در حالی که بحران اقتصادی، بیکاری چندین میلیون، گرانگشایی و نبود آذوقه و دارو مسکن همراه با فاجعه های جنگ زندگی شما را به نهبیستی سختی رسانده است در حالی که درسراسر کشور ما اعتراض شما مردم ستم دیده علیه جنگ و رژیم ربه گسترش است. رژیم فقیه برای جلوگیری از انعکاس اعتراض و گسترش مبارزه شما همچنان به تشدید اختناق و پیگرد سرکوب و کشتار نیروهای مبارزان انقلابی مشغول است.

رژیم "ولایت فقیه" که از عزم و پیروم فداییان خلق به سرحد جنون درخمش است، طی یک سال اخیر با وسیع ترین راهزنی ها کوشیده تا مانع فعالیت انقلابی سازمان ما شود. در این مدت بیش از هزار نفر از کارگران، معلمان و جوانان سازمان ما سیر شده اند. شکنجه گران جمهوری اسلامی فداییان اسیر را با زور کذاشتن هرگونه معیار انسانی و اخلاقی زیر شکنجه های مداوم جسمی و روانی قرار داده اند، تا جایی که چندین از رفقای ما زیر شکنجه جان سپردند. علیرغم بهمان کنی های رژیم این فاش شده است که طی ماه های اخیر نیز گروهی از اعضا و کارکنان رژیم فدا می خلق همراه با چندین نفر از اعضا و کارکنان حزب توده ایران، سازمان ما را در مبارزه و دیگر سازمان های انقلابی و ترقیخواه زیر شکنجه و با پس از شکنجه های بسیار شدیدینا سی به شهادت رسیده اند. دانش پیگرد و کشتار مخالفین رژیم ولایت فقیه بجای رسیده که حتی دانشمندان و کارکنان رژیم خود رژیم را نیز گرفته است. اعدام مهدی ها همی و چند نفر از اعضای گروه اوگوا آن است که دارو بسته خودشان، رفیقانی، مخالفانی آنجا که پای منافع خودشان در میان باشد، حتی به نزدیک ترین گمشان هم کوچکترین رحمی نمیکنند. این رویدادهای خونین با ریدیکاردهای مخالفین با مطلع قانونی استبداد ارتجاعی و فاش ثابت می کند که جز مبارزه در راه سرنگونی رژیم ولایت فقیه هیچ راهی فراروی مردم ایران قرار ندارد.

هموطنان!
برندعلیه استبداد و فحشاء و بخرط آزادی یکی از هدفهای مقدس مبارزه ما است. رژیم فقیه با نابودی آزادی و استقرار استبداد می کوشد تا حیثیت و شخصیت خود را حفظ کند و ما باید با نبرد هر چه قطع تر علیه اختناق و استبداد ارتجاعی آزادی شیشه جان این اهریمن را بر سنگ بگوییم. امروز مقابل ما با پیگرد سرکوب سازمانی انقلابی و دفاع از زندانیان سیاسی سرطقتا طی در نبرد علیه اختناق و استبداد است. سنت درخشان و شکوهمند مردم ما در دفاع از حقوق و آزادی زندانیان سیاسی امروز بیش از هر زمان می بايست انان بخش ما باشد. صدای اعتراض خود را علیه پیگرد سرکوب سازمانی انقلابی علیه شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی رسانند. فرزندان شریف و قهرمانی خلق مبارزات خود را با همه توان افزایش دهیم.

هموطنان!
در هر کجا که هستی و با هر وسیله ای که می توانی علیه جنگ و قتل رژیم استبدادی و خونخوار و "ولایت فقیه" مبارزه کن. در خانه و در خیابان، در کارخانه و در اداره، در مدرسه و دانشگاه و روستا، در مسجد، در جبهه و در هر جای دیگر شجاعانه رژیم فقیه را افشاکن. دیگران را به تشکیلاتی رژیم آگاه کن. همگان را به افزایش مبارزه علیه جنگ و رژیم دعوت کن. ما اعتقاد داریم که رژیم فقیه در پرتو اختناق و سرکوب، پیروزی از آن نخواهد بود.

پیروزی ما دمبارزه خلقی در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ۲۵ مهر ۱۳۶۶

بیش از بیست سال جراحی آزادی ما را از دست بردارند. استبداد و سرکوبی طی این ۷ سال از قطع فوری جنگ و حل کلیه اختلافات میان دور رژیم ارتجاعی مذاکره بیگانه و مستمرا دفاع کرده است. اتحاد شوروی در حال حاضر خواستار خروج فوری همه نیروهای نظامی خارجی از منطقه خلیج فارس است. اگر آمریکا قصدش فزایی نمی داشت می توانست به یمن پیشقدمی بسیار داشته دهد.

امپریالیسم آمریکا بیشتر با اتحاد شوروی برای قرار گرفتن نیروهای نظامی مستقر در خلیج فارس زیر نظر سازمان ملل را نیز رد کرده است. آمریکایی خواهد با سازمان ملل متحد برای تامین امنیت کشتیرانی اقدام کند.

پوشیده نیست که ادامه جنگ تمام و کمال در خدمت ترغیب امپریالیستها به شدیدترین ما جراحی خوبی ما علیه منطقه و در راهی آن علیه کشور ما است. جنگ افروزرترین محافل امپریالیستی، تولیدکنندگان و فروشندگان جنگ افزار و کارگران آنها در کشورهای امپریالیستی از وخیم تر شدن هر چه بیشتر اوضاع سود می برند.

رژیم خمینی که مسئول اصلی ویرانی کشور ما و وخت ما سرحد افشاجا اوضاع منطقه است، همچنان ما جراحی ما را به پیروزی خمینی فهمیده است که از زوهای ابلهانهاش برای "مدور انقلاب" و مستقر کردن رژیم تبهکار و فاسق "ولایت فقیه" در سایر کشورهای اسلامی بر داشته است.

شکست نقشه های جنگ افروزان و تها و کارکنان رژیم خمینی، و رشکستگی اقتصاد دکتور و برادر فتن ذکا برود و آدهای ارضی، تشدید روز افزون نفرت مردم از جنرکرمخالفت آنها با رژیم و افزون بر این تشدید فکانشان برای قطع جنگ رژیم خمینی را به عقب نشینی های فاحشی ناچار ساخته است. رژیم خمینی که سال گذشته برای ادامه جنگ به یاری های "شیطان بزرگ" دلخوش کرده و پنهانی به زدوبند با دولت ریگان پرداخته بود، اکنون مدیونانه در پی دستاویزی است تا خود را از زمین بستی که در آن قرار گرفته رها سازد. این دستاویز امروز در پاشاری رژیم برای تعیین منافع و از آزادی سازمان ملل متحد و وعده بریدن غرامت شلخته شده است. تلاش برخی سازمان ملل این است که آتش بس فوری برقرار شود و مصالح فیما بین دور رژیم ارتجاعی از طریق مذاکره و بر اساس موازین بین المللی حل و فصل گردند. اما رژیم خمینی همچنان می کوشد که بدیش این پیشنهاد را در گرو و صدور حکمی در باره مقصود یافتن وعده های مبنی بر پرداخت غرامت قرار دهد تا به خیال خود وسیله ای برای توجیه ۷ سال ادامه جنگ که به قیمت بیش از یک میلیون کشته از مردم دکتور تمام شده است دست و پا کند. مردم به سران جنایتکار رژیم شوروی اسلامی می گویند: شما بخاطر وعده غرامت جنگ را ادامه می دهید و چون آنها ما را هزار بار بیشتر تشکی می خورایم و بران می کنید، شما جنایتکاران ما را بریزید! غرامت خون دهها و صدها هزار فرزندان ما را چه کسی می دهد؟ آیا نه این است که ما مردم ایران با بدقتی از همه از شما غرامت بگیریم؟ هر روز ادامه جنگ غرامت شما را که تنها با نابودی رژیم تها پرداخت می شود، سنگین تری کند!

هموطنان! تنور آدم سوز جنگ از نفس افتاده است. رژیم خمینی درین بست جنگ گرفتار شده، نقشه های درهم شکسته است و اکنون نومید و چون زده این خونریزی را ادامه می دهد. رژیم می دانند که این جنگ ناچار قطع خواهد شد، از اینرو سرا سیمه درسی گرفتن دستاویزهای برای توجیه ۷ سال جنایت خویش زنده است.

خمینی و ریگان هر یک به شیوه خود مشغول توطئه علیه منافع مردم و مصالح ملی ما هستند. پس از هفت سال خونریزی و تشکیکری، خمینی و ریگان هر یک می خواهند که مردم ایران و منطقه را موش کنند. آتش بسیار اطالی این خونریزی نیست. آنها می خواهند که ری کنند که اگر جنگ به نیروی مقاومت ما اعتراض شما و در ارفشار نیروهای خلق دوست جهان قطع شد، نتوانید رژیم خود را از اختناق نزدیک به یک میلیون کشته و چندین میلیون زخمی و معلول و آوار خود را بگریزید. آنها می خواهند که ری کنند که ما با قطع جنگ ارتجاع فقهی و حکومت پلیدشان را ریشه کن سازد.

هموطنان! باید فاش را خود را برای قطع فوری

هم میهنان کرامی! مردم رزمنده و انقلابی ایران! اجلاس کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در جریان ماه سال، در شرایط تداوم خونخوار جنگ و بدو اوج رسیدن و خامت اوضاع در منطقه خلیج فارس برگزار شد. اجلاس کمیته مرکزی سازمان با توجه به اوضاع و حاسیت اوضاع، شما مردم رزمنده کشور ما را به گسترش نبرد علیه جنگ و رژیم فاسق می خواند.

جنگ جنایتکارانه که در هفت سال گذشته بیش از نیم میلیون نفر از هم میهنان ما را کشته و بخش عظیمی از کشور ما را بکلی ویران کرده است، اکنون ایما در منطقه ای با فته و از آن بدتر موجب لشکرکشی بی سابقه امپریالیسم آمریکا و همدستان "نا تو" ای آن به خلیج فارس شده است. رژیم خمینی با ادامه جنگ و با گسترش آن به سراسر خلیج فارس و با تشدید جنگ کشورهای عربی ساحل خلیج و حمله موشکی به کویت و فتح راه سرحد و خامت رسانیده و مصالحی ملی کشور ما و دیگر کشورهای منطقه را آماج شدیدترین مخطرات قرار داده است. این کشورهای عربی منطقه به شکل مختلف با ایشان به جنگ کشیده شده است. برخی از این کشورها نظیر کویت از ترس حمله رژیم خمینی و انتقام محووی رژیم صدام به حمایت عملی از رژیم صدام در جنگ و به یاری بردن زیر چتر حمایتی نظامی آمریکا کشیده شدند.

گسترش جنگ به خلیج فارس توسط دور رژیم ارتجاعی ایران و عراق و مورد تهدید قرار گرفتن برخی دیگر از کشورهای منطقه برای آمریکا و همدستان نا تویی آن شرایط مساعدی فراهم آورد تا این بار رژیم صدام در دفاع از امنیت کشتیرانی و "دفاع از خلیج" بی سابقه ترین لشکرکشی نظامی به منطقه استدارک بسیند. نیروهای نظامی امپریالیسم آمریکا، و در پی آن نیروهای نظامی انگلیس، فرانسه، ایتالیا و برخی دیگر از اعضای پیمان "نا تو" همچون راز هرنان دریایی سده های گذشته خلیج فارس را راقب کرده و در کمین ما چرا های تازه نهسته اند. اینک بیش از ۸۰ کشتی جنگی در خلیج فارس گردآمده است و هواپیما ها و هلیکوپترهای جنگی آمریکا سراسر خلیج را زیر پای خود گرفته اند. این نیروها وضع برترش و سایر روخامت را می در منطقه بدیدند آورده اند. اوضاع خلیج آسیبی فاجعه های غیرقابل پیش بینی است.

هموطنان!
امپریالیسم آمریکا که بجز بردار اصلی جنگ بوده و تا کنون با همه توان کوشیده است تا این جنگ ویرانگر ادامه یابد، اینک سود خود را از آن می بیند که ز رژیم صدام دفاع از امنیت کشتیرانی و به اصطلاح "دفاع از خلیج جنگ" برای گسترش سطره خود بر منطقه تلاش کند. طی هفت سال جنگ ایران و عراق این عظیم نشانه آمریکا عملی شده است. مطالبی این نقشه در هر دو کشور موضع ارتجاع تقویت شده و هر دو رژیم سیش از پیش به غرب وابسته شدند. کشور ما پس از انقلابی به آن عظمت با ریدیکر به ما زار و برنجل ترین گالاهای غرب و به مصرف کننده تسلیحات غربی تبدیل شده است. نیروهای انقلابی و ترقیخواه آماج شدیدترین تهاجمات قرار گرفتند مبارزه شده های مردم و انقلاب مردم همه و همه با خشونت سرکوب شد. در طول ۷ سال جنگ، آمریکا توانست رژیم های ارتجاعی منطقه را زیر چتر نظامی خود قرار دهد. جبهه جنگ علیه صهیونیسم را متروک سازد. نیروهای نظامی ویا بگا هیای خود را در منطقه آقیانوس هند دریای عمان و خلیج فارس افزایش دهد و سراسر تمام به لشکرکشی آشکار دست بزند و خلیج فارس را در چنگال نظامی خود در هم بشارد. میلیاردها دلار سود با آورده از فروش تسلیحات و عملی شدن دهها نقشه جنسی دیگر نیز از برکات جنگ برای آمریکا بود. عملی شدن این نقشه های آمریکایی از یک سو و آسوی دیگر افشا شدن ما جرای ایران کیت، تشدید تها ده های اخلالی هیات حاکمه آمریکا و بی اعتماد شدن بسیاری از متحدین و منجمله برخی از رژیمهای عرب به دولت آمریکا موجب آن شده که دولت ریگان دیگر نتواند حداقل با زمانه نقشه خود را به همان شیوه سابق دنبال کند. واقعیت این است که لشکرکشی امپریالیسم آمریکا به خلیج فارس در بین حال ما نور و بارونشتر تشدید علیه همسایه شمالی کشور ما اتحاد شوروی است. این جنبه نقشه آمریکا

گرامی باد هفتادمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر

هفتاد سال پیش از این انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر به پیروزی رسید، توده‌های دهها میلیون رنج‌دیده از استبداد و استثمار رزون و فرسوده در جنگ‌های خونبار، با کوهی نفرت از زبیره‌کش و زورگویان و با توشه‌ای غنی از تبار خود موخته در دوا تقطعی گذاردند، بپولتا ریای متشکل تحت رهبری حزب بلشویک که توده زحمت‌را زیردرفش سرخ خود آورد، بود با سلاح قیام، دشمن را درهم شکست و قدرت سیاسی را به کف گرفت. پیروزی انقلاب اکتبر ما عقیه‌ای بر بیکر فرعون استبداد دوا استعما روبا رانی شفا بخش برد، آغ و درد گذشته دهها میلیون زحمتکش بود، با رانی با عطر زندگی، آن روزها به این پیروزی درسراسر گیتی درگرددش است و برکالاله اشتیاق خلقها برای صلح و پیروزی گدازین می‌فشانند.

انقلاب اکتبر رویدادی اتفاقی نبود، الزامات رشدوتکا مل تاریخی‌جامعه بشری چنین تحولی را ضروری ساخته بود، طبقه‌کارگرو س به یاری نیووغ و هیروا موزکا رانقلابی‌اش لنین، این ضرورت را با زشتا خسته و رسالتی را که در این میان به لحاظ ملی و بین‌المللی بردوش قرار گرفته بود، دریافت. طبقه‌کارگرو زبر رهبری حزب بلشویک، مبارزه‌خونبرای سوسالیسم را با مبارزه دهقانان برای زمین، با مبارزه رهایی‌بخش ملی خلق‌های تحت‌ستم‌ترایسم و با جنبش عموم‌خلق علیه امپریالیستی درآمیخت، پیروزی اکتبر-بپیروزی انقلابی و بشردستانه مارکس، انگلس و لنین بود.

انقلاب اکتبر نظام سوسالیسم را در روسیه درهم‌شکست و برای نخستین‌بار پایه‌های نظام نوین سوسالیسم را در آنجا بنیان گذاشت. بسته دست‌پرولتاریای انقلابی روس برای اولین بار انسان مولد به حاکمیت رسید، قدرت نوین، قدرت کارگران و دهقانان به‌مدد همبستگی انترناسیونالیستی طبقه‌کارگرجانی سربرافراشت و سلطه‌بلاتنازع امپریالیسم برجهت‌ان درهم شکست. با انقلاب اکتبر دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسالیسم و کمونیسم، و مسابقه تاریخی میان دو نظام اجتماعی - سیاسی آغاز شد. امروز از روزهایی که "دنیا را تکان داد" هفتاد سال می‌گذرد، جا معمه

بشری در این دوره تاریخی افت و خیزها و فرازونشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است. زندگی مستمرا جلوه‌هایی جدید و جدیدتری یافته و از تنوع بیشتری برخوردار گشته است. روند رویدادها در تمامی عرصه‌های حیات بشری از اقتصاد تا سیاست و از علم تا هنر زرقا و شتاب دمافزون گرفته است. اما این همه بر زمین و واقعی موجودیت دو نظام اجتماعی - اقتصادی متضاد یعنی سوسالیسم و سرمایه‌داری آشکار و پنهان خود است. سوسالیسم در مسیر توسعه و پیشرفت است، سرمایه‌داری در مسیر انحلال و نابودی است.

سوسالیسم ضمن حل مسایل تازه‌تازگی که زندگی در پراچا و قرار می‌داد، خود را تحکیم کرد، راه‌ناپیموده را پیسودوگما به کام آبگامات بیشتری برای تعالی خود آفرید، موانع خردوگامی که امپریالیسم بر سر راه سوسالیسم می‌نهاد در نهایت خنجر تراشیده بود و گدغه مارش ظفر مندا نسا نهایی جامعه نوین را نتواند شکست دهد، سوسالیسم در پی رها نیدن بشریت از چنگال اختاپوس فاشیسم هیتلری و امپریالیسم ژاپن به نظامی جهانی قرار روید، دستیابی به سازمان نیی با امپریالیسم و حفظ آن، سوسالیسم را در ز تخیرنا پذیر صلح و امنیت بین‌المللی تبدیل کرد. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برتری انکارناپذیر جا معمه نوین را اثبات کرده‌اند.

برقراری شیوه زندگی سوسالیستی مبتنی بر عدالت اجتماعی، کلکتیویسم و دوستی خلقها در درون این کشورها، مناسبات برادرانه انترناسیونالیستی و همیاری اقتصادی میان آنها، کمک‌های مادی و معنویشان به خلقهای تحت‌ستم و زبندرسته و بالاخره دفاع بیکریشان از همبستگی مسالمت‌آمیز، از مناسبات عادلانه و دموکراتیک بین‌المللی و مهم‌تر از همه صلح و امنیت عمومی، سرشت بشر دوستانه سوسالیسم را در پراچا نشان می‌دهد. رها ندها نفوس سیاره ما به نایش گذاشت، بیپوده نیست که آرمان‌های سوسالیسم پیوسته مغز و قلب شما ربیند، آرمانی را که از استعما روستم سرمایه‌داری رنج می‌برند، تسخیر می‌کنند.

حیات سرمایه‌داری در هفت دهه اخیر مملو از بحران‌های اقتصادی، تلاطمات اجتماعی - سیاسی و جنگهای توسعه طلبانه و منافعناشی بوده است. که با رقابت فرسای مادی و معنوی آن را توده‌های زحمتکش تحمل کرده‌اند.

سرمایه‌داری به دنبال ظهور و گسترش و تکامل نظام اجتماعی نوین بحران عمومی رو برپوشد، این بحران با شکل گیری سیستم جهانی سوسالیسم و فروپاشی نظام ماستعما رابا دنازه و نا زکری پیدا کرد به موازات استحکام و اقتدار سوسالیسم، تعمیق و تشدید شد، خلقهای بسیاری از کشورهای ازبند رسته از سرمایه‌داری گسختند، با شکل گیری سیستم نواستعما رکلاف جدید و بفرنجی ارتقا دهها میان امپریالیسم و خلقهای کشورهای روبه رشد شکل گرفت و مبارزه آنها را در اشکالی گوناگون و در ابعد ملی، منطقه‌ای و جهانی علیه وابستگی امپریالیستی برانگیخت، در دهه‌های اخیر تعداد دیگری از ایسین کشورها زنجیر سارت نواستعما ری را گسیختند.

دستا وردهای انقلاب علمی - فنی ظرفیت‌های ما نورا اجتماع سرمایه‌داری را اقتزایش داده، ذخایر جدیدی را اختیار آن گذاشت. سرمایه‌داری با تودجویی از این امکانات به پیشرفت و تحولات جدیدی در تولیدیجا د کرد. . . . اما تقاضا دلایل سرمایه‌داری میان امکانات طبیعی که با پیشرفت نیروهای مولد فراهم می‌آید و عدم توانایی تحقق این امکانات به سود جامعه، تشدید گردید، بیکاری وسیع که از جمله تبعات تحول اخیر است در رشته خود مشکلات جدی برای سرمایه‌داری فراهم می‌آورد.

پی آمد کاربرد تکنولوژی پیشرفت در صنایع نظامی امپریالیستی فاجعه بار بود. تلاش امپریالیسم برای اعاده سیادت از دست رفته، میلیونها انسان را خاکستر کرده است. کاربرد سلاح هسته‌ای در هیروشیما و ناگانازاکی لکه ننگی نازدودی بردمان امپریالیسم نشانده است. امروز تلاش گستاخانه برای نظامی کردن فضای کیهانی و تدارک "جنگ ستارگان" که برزمینسه کاربرد آخرین دستا وردهای علمی - فنی در عرصه تسلیحات امکان پذیر گشته است، بشریت را به نابودی تهدید می‌کند. امپریالیسم بطور جنون آمیزی به مسابقه تسلیحاتی می‌زند. انبساط تسلیحات تا حدی رسیده است که تنها با یک جاده کوچک، یک اشتباه محاسبه جزیی و یا شاید یک جنون لحظه‌ای، جهان و هر چه در او هست در معرض خطر نابودی قرار خواهد گرفت. نظام سرمایه‌داری

برای حفظ خود بشریت را هدف قرار داده است. این گویا ترین و بارزترین نمودار نظام سیاسی واجتماعی - اخلاقی این نظام در زمان ماست. سرمایه‌داری معاصر در کلاف بفرنج تضاها قرار دارد، اما هنوز در حال پیشروی است. بلحاظ تاریخی محکوم، اما نیرو مند است، نظامی سر نهاده است که بشریت را به مرگ تهدید می‌کند.

تاریخ، سوسالیسم را در بلندای هفتاد سال تکامل به صا بقه‌ای در عالی‌ترین سطوح با نظام سرمایه‌داری فرا خوانده است. اقتصاد سوسالیستی را نسبت به توانایی‌اش در جذب پیشرفته ترین تکنولوژی، در تولید محصولات درجه یک و رقابت با رقبا در با زار جهانی، شیوه زندگی و اخلاقیات توسالیستی را نسبت به قابلیت گسترش و تکامل دموکراسی، عدالت اجتماعی و بشر دوستی سوسالیستی، سیاست خارجی سوسالیسم را نسبت به استعداد آن در دفاع قاطع و بیکری از صلح و نسبت به انعطاف و شکسایا ش در قبسال تحریکات امپریالیسم در شرایط حدت صا بقه تسلیحاتی، سوسالیسم با یاز این آزمون بر بلندای بیرون آید، سوسالیسم با یاز شتاب با حرکت کند، "تنها کسی به پای زمان می‌رسد که خود، آن را تسریع کند".

مهدها گستر در جنب و جوش است. با ردیکر، در خلقهای بالاتر از ما ریسیج تکامل، زحمتکشان شوروی اقدامی بزرگ را بپا خاسته‌اند، خرد خد حزب سوسیالیست پیشرفت همه جا نیده جا معمه شوروی و حرکت معودنی‌ش بیسه سوی کمونیسم می‌تواند یاز یاز راه تسریع رشدوتکا مل اجتماعی - اقتصادی کشورهای مین شود. هدف این منس، نوسازی انقلابی همه شئون زندگی جامعه شوروی است. انجام موفقیت آمیز این وظایف با اعتلای نقش عامل انسانی پیوند دارد.

حزب لنین با جمع بندی آزمون‌های تلخ و شیرین ۷۰ سال سازندگی سوسالیستی و با بهره گیری از تجارب ساختن سوسالیسم در کشورهای برادر احکام کلاسیک مارکسیسم - لنینسیم را خلافا نه با سطح رشدوتکا مل کنونی سوسالیسم و چنان معاصران نظیقا داده واقف بسط و تکامل این احکام را می‌گشاید. استراتژی تسریع حاصل کار بست خلق مارکسیسم - لنینسیم بر واقعیت‌های مرحله کنونی رشد شوروی سوسیالیستی است.

حزب کمونیست تسریع را استفاده هر چه کامل تر از امکانات و ظرفیت‌های نیفتده در سوسالیسم و شناخت و بکارگیری تمامی برتری‌های این نظام در روند رشدوتکا مل خود می‌داند، بر آن است که انسان شوروی در این رهگذر با هر چه پیش‌تر، خود را صاحب کشور احساس کند و پیش از پیش در اداره امور آن مشارکت نماید. همانگونه که سوسالیسم بدون دموکراسی امکان پذیر نیست رشدوتکا مل سوسالیسم نیز بدون رشدوتکا مل دموکراسی سوسالیست، ناممکن است. بر این پایه حزب دموکراتیازا سیون بیست در تمام عرصه‌های حیات جامعه را در سولوجه کار خود قرار داده و گوشه‌دهی می‌کند تا برپا به سطح کنونی رشدوتکا مل سوسالیسم بنا شده در اتحاد شوروی برای امکانات مثا رکت برمد در امور بیفزاید آن را به استفاده فعال و خلاق از این امکانات مثا رکت فرا خوانده و تسریع نماید. زحمتکشان شوروی با یز بر همه چیز اشراف داشته باشند.

با یز بر هر گوشه تاریک که خوززای بنده کزی‌ها و کاستی‌هاست نوسور انداخت و بر هر فضای مسدود خفه در هر جا که با شدروزن گوشه‌دهی همه چیز و همه جا با یز رکت فعال و بلاواسطه زحمتکشان از ظرا و ت زندگی سرشار شود و هر روند و فراگرددی همصواب از زندگی شتاب بگیرد. اینجمله مضمون مبارزه حزب در راه عنایت بیشتر را تشکیل می‌دهد.

حزب خودم را به بیکار علیه تمامی بنده‌های منفی دعوت کرده است. باید با لختی، رگدویی و تفاوتی بطور بی‌امان مبارزه نمود و زمینه‌های پیدایش این بنده‌ها را از میان برداشت. الگوهای منسوخ و شما‌های بی‌جان با یز درهم شکسته شوند و همه چیز در نظیقا با مختصات امروزین زمان منحول شود. حزب بر آن است که نوسازی انقلابی با یز همه عرصه‌های زندگی جامعه را فراگیرد. از اقتصاد دگرگونی تا سیاست و از علوم اجتماعی تا فرهنگ و هنر، همه و همه با یز نوسازی شوند.

۷ دهه پس از اکتبر کبیر با ردیکر ضرورت‌های رشدوتکا مل اجتماعی در کشور شورایا با الزامات تکامل تاریخی جهان همراه شده و رسالتی تاریخی بر سر دوش زحمتکشان شوروی قرار داده است. روح و سنت‌های انقلابی اکتبر که رونده هفتاد سال تکامل پویای سوسالیسم را همراهی کرده‌اند، جان تازه می‌گیرند. با ردیکر صحبت از نوسازی انقلابی در تمامی شئون زندگی با اهداف والا و بشر دوستانه صلح، پیشرفت و پیروزی است. با ردیکر به کار سخت و فداکارانه وسیع ترین توده‌ها نیا زهت ... و این بار، این انسانهای شوروی هستند که به میدان می‌آیند. آنچه کهفته، فرسوده و زنگار گرفته است را می‌رویند و خا نه خود ساخته را نوسازی می‌کنند. خود را نوسازی می‌کنند و در فتنش سوسالیسم را در طرازی بالاتر، با هنر زدرمی آورند.

ا. امروز همه‌جا به کشورهای سوسیالیستی می‌نگرد، آخروسوسیالیسم سنگر اصلی دفاع از صلح و جلوگیری از فاجعه هسته‌ای است. آخترتزی زمان ما به

درستی با سوسالیسم مشخص می‌شود. آخراها‌های پیشرفت اجتماعی در سراسر جهان و مقدرات جنبش رها نیشخست به آن است که سوسالیسم نیا ز زمان را چگونه با سخ گوید، مقدرات بشریت با مقدرات سوسالیسم پیش از پیش‌گری خورده است.

سوسالیسم رسالت تاریخی خود را با ایستگی به انجام خواهد رساند، چرا که در سرشت خود انقلابی، رندیا بنده و روبه آینده است، چرا که قادر است با آهنگ تاریخ خود را نوسازی کند.

با جمع آوری
کمک‌های مالی
فدائیان خلق را در انجام وظایف
انقلابی خود یاری دهید.

زنده باد صلح، زنده باد سوسالیسم

دولت فرهنگ ستیز

"آن کس که اسب داشت غبارش فرونشست
گردسم خسران شما نیز یک گذرد"
(سید فرغانی)

در هفته دولت با وجود اشتغال همیشگی دولت به مسئله اصلی این یعنی جنگ و عدم همکاری انبوه فرهنگ دوستان و هنرمندان غیر "خدمتگزار" و رگود فعالیت ها در این زمینه، روزنامه اطلاعات ۷ شهریور تا نهم یک سیاهه عرض و طویل به نام "کارنامه درخشان دولت در فعالیت های فرهنگی" ارائه کرد.

آنچه در "کارنامه درخشان" ارائه شده است، آمار و ارقامی است در مورد فعالیت دولت در زمینه سینما، تئاتر، هنرهای تجسمی، آموزش و پرورش و ادبی و تلویزیون جمهوری اسلامی. دولت میرحسین موسوی مانند تمام دولت های نیک مردمی، این کارها را برای پوتاندن حجاب به خدمت گرفته است. کارنال ها و مکانها تا شاعره فرهنگ و هنر درجا مع ما اکنون در خدمت رواج ایستاد و معمول داشتن پدیده های ضد فرهنگی و وابستگی و جهت دشمنی با منافع مردم و توجیه و رونق سیاسی پلید مردمی در آمده است. از مطبوعات رسمی، نمایشگاه ها و تئاتر سینما گرفته تا محیط مدرسه، کارگران حکومت بطور دگر ناپذیری در واقع این اصطلاح "خدمات فرهنگی" را به پیش می برند.

مطبوعات علمی که تقریباً همگی مستقیماً و بعضاً غیر مستقیماً وابسته به رژیم اند امروزه نوع عجیبی ادبیات را معمولی دارند که هم از نظر شکل و هم از لحاظ محتوا قابل بررسی و مطالعه است، البته نه از زاویه نقد ادبی، بلکه بیشتر از نقطه نظر علم مردم شناسی!

شرفا رسمی مورد حمایت و افتخار دولت، مخلوقی جز از ماده مخلوک و علی بن ابی است و نوجوان عرب رفته ادبیات فارسی شایسته دارد، تا به نثرینسجیم و زیبای فارسی. قالب های مصنوعی و مکرر قصه ها و داستانهای "اسلامی" تاب حرکت را از آن گرفته است. کتاب داستانهای چاپ و صحافی خوب با اصطلاح "حوزه هنر و اندیشه اسلامی" و انتشاراتی های مشابه تاکنون کمترین خواننده را به خود جلب کرده است. مردم دنبال کتاب نویسندگان خوب می گردند، اگر چه به جد چاپ و صحافی شده باشد - چرا که اینگونه آثار بیوژنه از سال ۶۱ به بعد بسمدورت اجازه چاپ و تجدید چاپ می یابند.

افاضات شعری آقا جان در حرف بیشتر دارد. تصاویر و مفا هم هیستریک کهنه، تا ما نوسر و آخوندی، چه در قالب نثر و چه غیر نظم با مضمون ارتجاعی بکجا جمع شده اند. حاصل جمع فعالیت مغرور میوب یک طایفه ارتجاعی و سربازان حزب الهی، چاپ با طبل تا مربوط زیر به عنوان شریف بوده است.

نویا نامفتی این عصر، خودت دانی که حق با امام است
لجوج خدا در دوزان، قلبت خدایش تاری میبند
جه بینی کارهای خارق العاده از آدمی درم؟
که سید موسی شجان همه ز لاری بینند
(مجله عروه الوشقی، ۲۵ خرداد ۱۳۶۰)

"طایفه شاعر" دیگری که طلبه قم بوده و به گفته خودش قریحه شاعر عربی بیشتر بماند و وفات آیت الله هابیه غلیان می آید، ضایعه فکری خودش را در قافیه های زیر به خواننده تحمیل می کند:

بشکر زاتم هیچ جز آزار نیاید
جز کشتن زاین آلت خونبار نیاید
آی جا هل بی عقل ترا عار نیاید
کز آلت قتاله کنی فرجه بسیار
(صحنه ۲۹ - ضمیمه جمهوری اسلامی)

سأش کتتا روخوتی ریزی و شیادت معلول شدن درجه های مرگ، بحقیق زنده گی و تبلیغ آخرت و تفریبش و حورالعین چندان در "اشعار اسلامی" تکرار شده که خوانندگان را به ستوه آورده است. نثر الهه مرادنی شاعر را به یزید کتار حزب الهی که از اشتقاق خوانندگان ترا شفته است، به خبرنگار و کیهان پر خاش می کند که: "اغلب شعری بزور دروغها و شیان تکرار لغات و تصاویر پیدا شده اند... ما هم اگر یک ردیف بزنیم به کار می بریم، تکرار مستحسن است نسه مضموم".

حکام جمهوری اسلامی از سوی دیگر هنرمندان آزاد بخواه و مردمان را به انجا گوناگون در مضیقه می گذارند، بازداشت می کنند، شکنجه می دهند و سیاهه اعدام می سپارند. رفیق سعید سلطانی پور شاعر و کارگردان انقلابی که آثارش شکنجه زندانهای رژیم است تا به راه برتنی دانست به دست این جانور مستفان به شیادت رسید. این نظام حتی پیش از مسلط جمهوری اسلامی گرفتار مجازات و محرومیت اجتماعی شد. نام او زخایانیا محو گشت و دیوانش بواسطه مصانعت های رسمی برای تجدید چاپ به سزا زار سیاه کشیده شد. آخر حافظ در دریدن برده سانس و ویای شیخ وزا هندو اعظ و فقیه تریبند روانی داشت و ما شارات و کتایبهای رندانه، انگل صفی آنان را بر ملا کس کرده و مشروعیت منبع ارتزاقان را بدین گونه زیر سؤال می برد:

بیا که خرقة من گرچه رهن میکده ها ست
ز مال وقت نیندینی به نام من درمسی
و یا:
فقیه دهره دی مست بود فتواداد
که می حرام ولی به زمال اوقاف است

(ظاهرا تیرگی روابط ریشه زیربنایی دارد!)

رودکی فردوسی و خیام و عبیدزاکا و ایرج میرزا و بسیاری دیگر هم سرنویست مشابهی یافته اند. رشته های دیگر فرهنگ و هنر هم در پرتو توجهات فقیها و دولتمندان خدمتگزاران در قالب مشابهی (که به قهرمانانده است) ریخته شده اند. تأثیر پس از آغاز آواز گهیری جنبش توده ای (سال ۱۳۵۶) جان تازه ای

گرفته بود، و بیوژنه بعد از انقلاب، علیرغم تضییقات روز افزون رژیم - آخوندها، تقریباً تا سال ۶۲ به همت هنرمندان مترقی، درسالن و خیابان، موفقاته مردم را با این هنر بیخوشی با مفهوم تا تریبش و مردمی آشنا می کرد. اما آنچه اکنون رژیم ازنا تریا قی گذاشته است، سالن های خلوت و تقلید های تخریب مانند و تبلیغات نامایش گونه ای ارزش می باشد که جز تبلیغ جنگ و مرگ و تسلیم و رضا و وظیفه ای برای خود قایل نیست. سینما نیز به سرنویستی مشابه دچار شده است. معروف ترین سناریونیوس و کارچرخان فیلم های غیر مستند رژیم یعنی محسن مخملباف بنا به گفته خودش، پیش از آغاز فیلم سازی نه تنها سروکاری با این حرفه نداشته، بلکه اساساً از سینما متنفر بوده است. (همه چیز در جمهوری اسلامی رابطه منطقی خودش را دارد.)

کارنامه دولت در رشته نقاشی هم سیاهه است. رژیم برای اسلامی کردن نقاشی تاکنون موفق شده است نه تنها محتوا، بلکه فرم را هم از تابلوهای "نقاشی" های وابسته بخود از جمله نقاشان دکان "حوزه هنر" و اندیشه اسلامی بزاید. با وجود این، همه امکانات از وسایل کار و کارگاه گرفته تا پول به آسانی در اختیار این خدمتگزاران رژیم قرار می گیرد. نقاشانی که هنر خود را به دیوژنی خلیفه جاران و عواش نمی برنند

مجبورند وسایل کارشان را به سختی و با قیمت گران تهیه کنند. کارگاه و نمایشگاه این نقاشان هم معمولاً خانه خودشان است.

مجسمه سازی در جمهوری اسلامی هم بکلی ممنوع است. عاقبت موسیقی برای همه مردم آشکار تر از زبیه هنر است، حذر عی برای این هنر ۵ ماه بعد از انقلاب توسط کمیته مردمی بنام "فوقیستی خیانت" است به مملکت اسلامی. اگر بخواهید جمهوری اسلامی مستقل باشد، از این به بعد موسیقی را از رادیو و تلویزیون بکلی حذف کنید. "لکن بعد از رژیم صلاح

دید که اندازه ای به مملکت اسلامی خیانت کند، اما دیگرگانون های "خیانت" به مملکت اسلامی، از جمله "مرکز حفظ و اشاعه موسیقی" را به تعطیل واداشت. امروزه آهنگ توحه و تعزیه ریتم معمول موسیقی رسمی شده است. حذف صدای زن از این عرصه ویژگی دیگر موسیقی فعلاً مجازات است.

اما مهمترین خصوصیت موسیقی رسمی و در واقع علت مجازماندن آن در حجم کنونی تبدیل آن به ابزاری در خدمت سیاست عملی و جنگ طلبانه است. امروز رژیم است. سرشده تناقضی تون و عملی قفا و کارگران شان در این زمینه نیز در همین ویژگی آخراست. در مورد موسیقی، مردم بیش از سایر رشته ها به هنر غیر رسمی علاقه نشان می دهند. و با شور و اشتیاق فراوانی به حفظ و حمایت آن می پردازند.

دولت صاحب "کارنامه درخشان". در مورد رفتارها تاریخ و فرهنگ ایران هم وضعی آشفته ای دارد. این دولت عقیده دارد که آنچه غیر اسلامی است، حتی اگر مربوط به قبل از اسلام باشد، جزو تاریخ ما نیست! مثلاً نخست وزیر در "آثار تخت جمشید" هیچ عنصر به درد بخور و قابل نگهداری نمی بیند، نسه مرحله و شیوه معینی در تاریخ هنر معماری، نه انعکاسی از مناسبات اجتماعی - تاریخی و نه نشانه ای از روزگار و وقایع مشخص تاریخ باستان سرزمین ما

و نه حتی با دگاری از کار و روح برگدان و مردم تحت ستم سلاطین آن دوران. و آن حرف "خرابه ها" می می داد که چون "کاملاً بیگانه از اسلام" است. حفظ و نگهداری آن را با زبایدی بروش "فرهنگ اسلامی" می شمارد. بنا به همین طرز تفکر است که دولت بی هیچگونه دغدغه خاطر با بلد و زره جان آثار باستانی می افتد، تا کنج پیدا کند برای خرچ جنگ و اعزام جوانان و نوجوانان به پیشرفت و پیشرفت زرها. این ویرانگری از آغاز جمهوری اسلامی ادامه داشته، مثلاً کتیبا ۱۸ مرداد ۵۹ خیردا که "تاکنون ۵۵ اثر تاریخی منهدم شده است".

اگر کسی بخواد با این پدیده ها روح خود را آزاد نهاده بی نماند را به نرخ ۱۴۰۰ سال پیش و از دکان آیت الله محمدی گیلانی ابتیاع و نسا سوال نماید: "انقلاب یعنی برگشت، قرآن کریم هم انقلاب را به معنی بازگشت معنی می کند. انقلاب اسلامی یعنی بازگشت به حالات اولیه مسلمین، چه در مرتبه خوانی باشد، چه در کشورداری باشد، چه در قضا باشد" (آیت الله گیلانی - اطلاعات ۷ مهر ۶۱) بر راستی اگر کسی فکرش را بر این مبانی "انقلابی" قرار دهد، دیگر نه تنها علاقه نسبت به تمام دستاوردهای فرهنگی بعد از صدر اسلام از دست خواهد داد، بلکه خود بخود از هر چه تا رشمند پیش از آن و معاصربا آن، که شایسته به ما مزاده و سقا خانه و قبرستان و تعزیه و مرثیه و لفظ عربی و امثال آن داشته باشد بدش خواهد آمد. هر همین اساس است که امروز برای این رژیم و دولت آن، رواج عزاداری، سینما و رادیو معاصری، گریه های دسته جمعی و غیره، یعنی رواج خرافات، تفریبش و فرهنگ به حساب می آید. جمهوری اسلامی به گسترش این "فرهنگ" فخر می کند و تمام مراکز تربیتی بیوژنه مدارس ابتدایی و متوسطه را با این زهر سموم می نماید و بیجا به اصل گذاشتن "تقدم تزکیه بر تعلیم" ضمن اخراج معلمین آگاه و آزاد اندیش بدون توجه به توان علمی آنان، سبیل ما مورثین "اشاعه خرافات راهبانم معلم به مدارس گسیل کرده است. رواج فال بینی، جن گیری، احضار ارواح و دهها شیوه تلخ فقر و نادانی در جامعه ما که نتیجه گسترش جنگ، افزایش بیکاری، گرانی، فقر روز افزون و بی اطمینانی به آینده است، از مشخصه های رژیم سرما به خرافات است.

ضدیت رژیم فقیها و دولتمندان از فرهنگ و هنر بشری یک دشمنی ذاتی است. فاصله افکار و اندیشه آنان با بطور کلی با فرهنگ و هنر بیوژنه با نفع متحول آن به اندازه فاصله خرافات با حقیقت است. این تضاد دشمنی، ریشه در ایدئولوژی این قوم دارد. ایدئولوژی ای که احکام شایسته خود را در محکومیت هرگونه فعالیت و خلاقیت هنری و فرهنگی از زیر پا زسار کرده است که برخی از آنها را برای نمونه ذکر می کنیم:

حکم محکومیت موسیقی به روایت حلیه المتقین چنین است: "غناء، نوحه ابلیس است" و "هر مردی که در خانه اش تنبوت زبیه زدیه مرحق غنائی شیطانی به نام فغندر برانوشند و حیا را از او بگیرد تا جایی که او... گردد" (باب خاتمه). در "مجمع المعارف و مخزن العوارض" نیز نقل شده که "هر که آواز بخواند، بیا بد در روز قیامت نوحه کنان مانند گند" (عین نهم، بنبردم). و با "فرموده هر که یک درهم به صاحب سزا و آلت غنا دهد نذخدا شدی تراست مصعبت او از زنا با ما در خود ۷۰ بار" (همانجا)

قضا و تدبیر و نقاشی در حلیه المتقین هم هولناک است: "شدید العذاب ترین مردم در روز قیامت صورتگرانند" و به نقاشان آخطار می کند: "مطلقاً صورت نکشد حتی صورت درخت، چه برسد به صورت ما جب روحی که سیاه داشته باشد و اگر صورتی کشیده باشد بهتراست که ترا تاقی کنند، ملاحظه کن اگر کور کنند و با غصوی از ترا محو کنند" (باب ۱۱، فصل ۳)، راستی اگر مصلحت حفظ ارکان اسلام در میان نبود و احکام اسلام اجرا می شد، فقیها و روحانیون مأمور از جمله ضمیمه، چه شباهت و قرابتی با "روشنان" و معلولین پیدا می کردند!

درباره تبلیغات (۳)

اهمیت تکرار و ضرورت پیگیری در امر تبلیغ

نخستین حلقه در امر تبلیغ و سازماندهی توده‌ها همانا مبارزه در راه معتقد ساختن آنان به حقایق تکرار شده و اهداف ماست. لنین می‌گفت: "هر اندازه تحولی که ما خواستار انجام آنیم، عمیق‌تر است به همان اندازه نیز باید علاقه و توجه‌آگاهانه میلیونها و دهها میلیون توده‌های مردم نسبت به این تحول را برانگیخت" (لنین - م. ۲۰، ج. ۲، ص ۱۲۵) هر چند معتقد گردانیده شده‌ها به حقایق تکرار شده و اهداف ما، امری است که بطور ارگانیک به مجموعه کردار انقلابی ما بستگی دارد، و صرفاً پیشبرد شیوه‌های تبلیغی درست قادر به تا مین آن نیست، ولی تبلیغات به‌صورتی یکی از اجزای اصلی فعالیت است پیش‌هنگ در تا مین این امر، وظایفی پرروش می‌کشد که عدم توجه به آنها - حتی در صورت صحت سایر اجزا نیز - به ناکامی منجر خواهد گشت.

باید در تمام عرصه‌ها از خرد تا کلان - اندیشه‌ها را که طی سالیان درازان توده‌ها به اعتقاد تبدیل گشته و مانع از عمل انقلابی آنهاست - زدود، باید به‌غیر از مسائل و عقایدات غیر انقلابی و مفاصله‌ها را به‌پیروز گشت. این امر هم در باره ضرورت معتقد گردانیدن شهیدستان به سطلان جاودانگی نظام استعماری و لزوم جامعه فارغ از استعمار و هم در باره لزوم مبارزه در راه سرنگونی رژیم خونخوار حاکم و یا این یا آن خواسته‌خرد معادق دارد.

همچنانکه لنین می‌گفت: "معتقد ساختن توده‌های مردم وظیفه‌ای است که هرگز از زمین نخواهد رفت. این وظیفه همواره در میان وظایف مهم وجود خواهد داشت" (م. ۲۰، ج. ۳، ص ۱۲۷) تبلیغات به‌منابه امری برای معتقد گردانیدن مردم، از این نقطه نظر مبارزه‌ای میان اعتقادات و اندیشه‌ها نیز هست و در شرایطی که تبلیغات دشمن با امکانات بسیار فراوان در مدد حفظ اعتقادات با زلد رنده در میان مردم و تحکیم آنهاست، برای مقابله با آن در باره مردم به مبارزه انقلابی توجه به‌درخی عوامل از جمله عامل تک - راپیگیری ضرورت می‌یابد.

در پیوسته معتقد ساختن یک فرد یا یک گروه و یا یک طبقه خلق تنها کافیه نیست که یک تکرار، یک شعار، یک بیان شود و صحت آن یک بار اثبات گردد. بی‌انهدف و شعاری و کتیک خود باطنی در آرای تا تیر معینی است، ولی باید این تا شیرا تحکیم بخشید. تکرار در تبلیغ عامل مهمی در تثبیت این تا شیر است. راهی جز تکرار هزار باره اندیشه‌ها نیست. مبلغ با سازمانی که نتواند ایده‌های تبلیغی مورد نظر خود را اعلام و پیگیری در میان توده‌ها تبلیغ کند نه‌فادربه انجام وظیفه آگاهانه و اعتقاد دیرانگیزاننده خواهد گشت و نه خواهد توانست خویش را ستوان و رهبر و پیش‌تاز پیگیر آنان در اذهان جا بگیرد.

آنکه که از تکرار سخن می‌گویم باید در این نکته توجه دهیم که منظور از تکرار فقط تکرار عادی و مکانیکی ایده معینی نیست، تکرار عادی و یکنواخت یک ایده، نه تنها سر تا شیر نخواهد افزود، بلکه از قریب عسادی گشتن به ست شدن عکس العمل روانی خواهد نجا مید، هدف اقناع و جلب اعتقاد است و از این نظر باید ایده مورد نظر را از زوایای گوناگون با اتکا به حقایق و مناسله مشخص‌تر نمود تا در ذهن جای گیرد.

تبلیغات - تبلیغاتی که هدف آن سازمان‌نگری است - باید پیگیری و هدفمند باشد. مبلغی را در نظر آورید که کار او سازمان تا شام - در صف آرا و ... در آتویوس تا کسی - در اینجا و آنجا، از هر دری سخنی گفتن است. یک واحد حزبی را در نظر آورید که کار او پیش‌تراکت‌ها و اعلامیه‌های پراکنده و هزار گاه‌ای است. هر چند عمل آن مبلغ و این واحد حزبی بخودی خود در آگاهان نیست مردم‌فادقتا شیر نیست، ولی آنچه که منظور ما است تبلیغاتی است که قصد آن علاوه بر آگاهی عمومی سازماندهی نیز هست. از این نظر عمل مبلغی را که به‌جای پراکنده‌گویی و پراکنده‌گویی تبلیغات خود را بر روی گروه‌ها و با حسی افراد معینی متمرکز می‌یابد، و در یک پیوسته - هر چند طولانی - آنان را به سبب مبارزه سازمان یافته‌ها بیت می‌کند، تبلیغی موفق می‌تواند نامید.

تبلیغات باید تعرضی و بی‌کار رجوبی شد

زایه تبلیغ و لحن کلام به‌سهم خود در میزان تا شیر گذاری بر مردم را تا شیر جدی است. تبلیغات باید تعرضی و بی‌کار رجوبی باشد. هر چند تحقیقت خود رزمنده است ولی اگر با بیان و منطقی شعری همراه نباشد، اگر در موضع‌دهی قرار گیرد، قادر به بر جای گذاشتن تا شیر مورد نظر نیست. تبلیغات کمونیستی با شکوه و گلاویه و تضرع و زاری و شمنایکانه‌است. چنین تبلیغاتی نه تنها قادر به برانگیختن و اعتلای روحیه توده‌ها نیست بلکه به قول "برشت" کسی که چنین صدایی را می‌شنود اگر در بدبختی باشد یا زهم بدبخت نخواهد شد. این زبان کسانی است که اگر دشمن نباشند ولی بی‌شک هم‌راهنمای مبارزه هم نیستند.

تبلیغات باید روحیه نفرت به دشمن طبقاتی را در اذهان زنده و آتش مبارزه - جویی با آنرا در دلها برافزود. تبلیغات نباید به‌گذر در موضع دفاع و ضعف قرار گیرد و همواره باید دشمن را به سوی موضع دفاعی براند. یکی از مسایلی که در امر و شناسایی اجتماعی و تبلیغات باید بدان توجه شود این نکته است که در تبلیغات بیشترین پیروزی از آن طرفی است که ابتکار عمل در دستان اوست و در صورت تعرض قرار دارد.

سرعت برخورد با مسائل

ما در بخش‌های قبلی یاد آور شدیم که توده‌ها را باید با اتکا به خود آنان آموزش داد و از هر دستم و جنایت و اجحاف و اعتراف دشمن برای روشن ساختن سیمای واقعی و ماهیت او بهره‌گرفت. بالطبع در این میان انگشت گذاشتن بر هر آنچه که در زمان حاضر در پیش چشم توده‌ها رخ می‌دهد دارای بیشترین تا شیر تبلیغی است و از این طریق بهترین توان در فضای ما به دست دشمن در سبب مردم و در نشان دادن سیمای انقلابی حزب پیشرو عمل کرد. لنین با توجه به همین امر می‌توانست:

"در رابطه با تبلیغ مساله بسیار مهمی را باید در نظر داشت و آن سرعت دست نهادن بر مسائل و طرح آن است. باید به‌صورت و به‌سر وسیله معجز مردم را در همان ساعت و در مملکت عام گرفت. زیرا اگر در وقت معجز مردم در محل ارتکا بجرم و رسوا کردن وی در همان ساعت در مملکت عام، این بخودی خود اثرش از هرگونه دعوتی برای مبارزه بیشتر است" (چه باید کرد)

بعنوان مثال هنگامی که رژیم، کارگران را گروه‌گروه از کارخانه‌ها می‌راند، آن هنگام که مزدوران رژیم سرپشته‌ها حاشیه‌نشینان را بر سر سر ساکنان آن خرب می‌کند، آن زمان که کودکی در اثر نبودن آلوده رودر مسان درینل ما درش جان می‌دهد، هنگامی که بمب‌محله‌ای در ادرهمی کوید و سیا مزدوران رژیم روستایی را بر آری دستگیری جانان مشمول محاصره می‌کنند و

دست به جنایت می‌زنند... بهترین موقعیت برای تبلیغ و افشاگری است. در چنین هنگامی که مردم به چشم خود با پوست و استخوان جنایات جنایت‌گران را لمس می‌کنند، بهتر از هر زمان دیگری می‌توان بر آگاهی و نفرت آنان از فزود و راه درست مبارزه را نشان داد. سازمانی موفق است که در دست نهادن بر مسائل و در گرفتن معجز مردم سرعت عمل بیشتری از خود نشان دهد. و اینک تبلیغی را در دست خود بگیرد. نباید اجازه داد که جنایات وابسته به طبقات دیگر با تحریک بیشتر، با استفاده از اتفاقاتی که نظر مردم را به سوی خود جلب می‌نماید، در منحرف ساختن توده‌ها موفق شوند. افشای بیباک پیش‌نقشه‌های دشمن - چه در مسائل خرد چه در مسائل کلان سیه سهم خود نقش برجسته‌ای در جلب اعتماد مردم بسوی سازمان انقلابی ایفا می‌کند.

جدا بیست تبلیغ

جلب توجه و دقت به‌سوی ایده مورد تبلیغ یکی از مهم‌ترین شروط موفقیت کار تبلیغی است. زیرا "دقت" به‌منابه درسی است که یافته‌های انسان از طریق آن وارد شعور می‌گردد. بدون جدا بیست تبلیغات فاقد اعتباری است - دقت را بسوی خود جلب نمود و بر شعور آنان تا شیر نهاد. گام اول در این راه توجه به منافع و نیازهای طرف تبلیغ است زیرا موضوع مورد تبلیغ هر اندازه با منافع و اهداف مستمعیان و خواهانندگان... بیشتر مطابقت داشته باشد، به‌همان اندازه بردقت آنان خواهد افزود. با جدا بیست تبلیغ برای هر گروه از خلق، با مسایل و منافع آن گروه مطابقت داشته باشد، و این نکته - بویژه در آغاز کار تبلیغی - که در جلب دقت - اهمیت شایانی دارد، باید مورد توجه قرار گیرد.

علاوه بر آن توجه به میزان معلومات، خصوصیات حرفه‌ای، خصوصیت محل سکونت، سن، جنس و... از شروط لازم در تبلیغ محسوب می‌شوند. آن زمان، آن مدت و آن ابزار تبلیغی که برای یک گروه از مردم را می‌جذب است و بر پیوسته درک را تسهیل می‌کند، چه‌باید برای گروه دیگری جدا بیست نداشت. گفتار را در سبب طولانی و بی‌کسوات، اعلامیه طولانی و ثقیل، سخنرانی‌خسته کننده، متون چاپ شده با حروف ریز و پاکت‌های و بانایرایی‌ها از این نوع نیست تنها قادر به جلب دقت نخواهد گشت، بلکه سبب آسیب دیدن اعتبار مبلغ - چه سازمان و چه فرد - خواهد گشت. توجه به روحیات و حالات، ظرفیت و کشتی طرف تبلیغ شرط کامیابی مبلغ است.

سخنی چند درباره برخی ویژگیهای یک مبلغ

مواردی که در بخش‌های قبلی مقاله با ختمار به‌تجا پرداخته شد، هر کدام ویژگی‌های معینی را از مبلغ می‌طلبد، (حزبیت، بی‌وفایی توده‌ها، درک نیازهای خلق، شناخت روحیه مردم، شناخت زبان و فرهنگ و آداب و سنن و خلق، پیگیری، هدفمندی، بی‌کار رجوبی، حساسیت نسبت به رخدادها و تحریک، توجه به ویژگیهای طرف تبلیغ و...). اینک به ذکر فشرده برخی دیگر از این ویژگی‌ها می‌پردازیم:

اعتقاد عمیق نسبت به حقایق و صحت ایده مورد تبلیغ، مهم‌ترین ویژگی ضروری برای تبلیغ است. بدون اعتقاد عمیق به صحت اندیشه، شما روزی که می‌رویم، نمی‌توانید دیرگرا را به معتقد گشتن به آن فراخواند. مبلغ باید تلاش مستعری برای افزایش دانش سیاسی و اجتماعی خود بکند. مبلغ در واقع مزی، آموزگار، رهبر و سازمان‌نگری است که بدون وجود دانشی و بدون تسلط بر رویدادها قادر به ایفای نقش آگاه‌گری و سازمان‌نگری خویش نیست.

شخصیت مبلغ از جمله مهم‌ترین عواملی است که در میزان کامیابی تبلیغ نقش برجسته ایفا می‌کند. تجربه نشان داده‌است که توده‌ها کمونیسم را در سیمای کمونیستی‌ها می‌شناسند. مردم صحت اهداف و منی و شعاری‌ها را سازمان سیاسی را با شخصیت خود تبلیغ‌گران می‌سنجند. مبلغ کمونیست - مبلغی که تبلیغ عدالت، پاکدانی، در ستکاری، فداکاری، در راه خلق، فضیلت‌های انسانی و... نخستین وظیفه‌اوست باید خود سبب انسانی خوب رزمنده‌ای صادق و مبارزی فداکار باشد. شخصیت خوب مبلغ و احترام مردم نسبت به او، کمک فوق‌العاده‌ای به مردم در برخورد با راست و با عکس‌حزبی که به خطا کاری و سزلزل و... شناخته شود، قطعاً از این امکانات - تا هنگامی که با عمل انقلابی خویش حسن نظر مردم را جلب نکرده‌است - محروم خواهد ماند. مبلغی که قادر به شناختن منی‌های از وفا داری به طبقه کارگر و توده‌زخمکش باشد، مبلغی که به محافظه‌کاری و سستی و جبن آلوده باشد، مبلغی که ایده‌های تبلیغی او برخلاف روند عینی رویدادها باشد، قادر نیست توده‌ها را به وفاداری و فداکاری و مبارزه رهنمون شود.

نگاهی به تاریخچه سازمان و زندگی فداییان در سالهای قبل از انقلاب بپوشنی نماید تا نگرش اعتبار مبلغ در جلب توده‌هاست. ایمان عمیق رفقای ما به سوسیالیسم، نفرت عمیق آنان به سرمایه‌داری و رژیم شاه، سرخستگی حماسی آنان در برابر دشمن، صداقت، از خود گذشتگی و قهرمانی‌های آن و... علی‌رغم اشتباهاتی که داشتیم از جمله عوامل برجسته‌ای بودند که در طی ۸ سال پیدایش سازمان توانستند توده عظیم کارگران و زحمتکشان و روشنفکران را به سوی سازمان جلب کنند و سازمان را در آستانه انقلاب به یکی از بزرگترین نیروهای سیاسی غیرحاکم در کشور مبدل سازند.

آنان مبلغی موفق است که در صورت در غلغله‌ها به خطا، به آن اعتراف کند و از خود انتقاد نماید. مبلغی که صلاحیت او در پیش طرف تبلیغ خسته‌ها باشد است، بدون انتقال از خود و بدون حرکت در جهت مسا عدگردانیدن روان توده، قادر نیست حتی انقلابی ترین شعرا را به راه را بسپولت به میان آنان ببرد. مبلغ متفکر - خشک مغز و مغرور قادر به جلب خلق نیست. مبلغی که در تبلیغ شفا می‌دهد به‌جای در پیش گرفتن شیوه اقناع از طریق گفتگوی دموکراتیک، به متکلم و حسد تبدیل شود و اجازه سخن به کسی ندهد موفق نخواهد گشت.

مبلغ سیمای حزب در برابر دیدگان مردم است و هر حرکت مثبت او به سود هر گام منفی اش به زیان حزب است. مردم کمونیسم را در چهره کمونیست‌ها می‌شناسند.

یاران دیروز، قربانیان امروز "امام"

دادگاه ویژه روحانیت، محاکمه مهدی هاشمی را به پایان رساند، او را "مصادق با رژیم محارب و مفسد فی الارض" دانست و به اشاره خمینی به جوشه اعدام سپرد.

یک سال پیش، با فاش شدن ملاقات وزوبنده های پنهانی رژیم خمینی با آمریکا، موج پیگرد، با زداشت و سرکوب گروه سیدمهدی هاشمی، به فرمان خمینی برای افتاد، در پنجم آبان ماه ۶۵، ری - شهری وزیرسا واک رژیم، طی نامه ای به خمینی در مورد "رسیدگی جدی به اتهامات مهدی هاشمی و گروه وی توسط وزارت اطلاعات" از او کسب تکلیف کرد و خمینی نظریه اهمیت و حساسیت موضوع، تعقیب پرونده را منحصرآ در اختیار وزارت اطلاعات " قرار داد.

در افسندماه ۶۵، همزمان با نمایش تلویزیونی "اعترافات" مهدی هاشمی، وزارت سا واک خمینی اعلام کرد که به اطلاعات جدیدی در مورد هاشمی و گروه وی دست یافته است. پس از موافقت منتظری و گروه محاکمه مهدی هاشمی، طی حکمی از جانب خمینی، روحانیت و فلاحیان ما موریت با فتندکه دادگاه ویژه روحانیت را برای رسیدگی به محاکمه و مجازات روحانیون واجمله مهدی هاشمی " در اوین تشکیل دهند. دادگاه ویژه روحانیت در واقع با محاکمه مهدی هاشمی موجودیت یافت.

محاکمه مهدی هاشمی حول کیفرخواستی مشتمل بر ۱۱ بند آ در مطبوعات جمهوری اسلامی منعکس نشد. روز ۲۵ مرداد به پایان رسید. موضوع اصلی کیفرخواست، صرف نظر از بندهای آن، به سه اختلافات و کشتا کشتی های درونی خاکمیت و جدال قدرت میان ارگانها و جناحهای حکومتی مربوط می شود. هر چند بندهای اول کیفرخواست به سازماندهی گروههای ترور و آدم ربایی " اختصاصی دارد، اما روشن است که در جمهوری اسلامی این قبیل جرایم مجازات نماند. های حکومتی رایج تر از آن است که امری غیر منظره و بنا به جناحها جلوه کند و به گروه مهدی هاشمی منحصر شود، لذا بخودی خود نمی توانسته است علتش موضوع محاکمه این گروه باشد.

دیگر موارد اتهام مندرج در کیفرخواست عبارتند از: " تلاش در تاسیس، اداره و اداره سپاه خودمختار و مستقل لنجان و تغذیه تدارکاتی و تسلیحاتی آن، ساز کردن سلاح و مهمات از سپاه پاسداران و جاسازی و اختفای آنها، ایجاد شبکه نفوذ در ارگانها و ادارات مختلف و سرعت آسانا دو مدارک طبقه بندی شده و کسب اطلاعات، تشکل و سازماندهی افراد و مسأله داروهای و اخراجی از ارگانها و تشکلات و نهادهای انقلاب اسلامی، ایجاد سوء ظن نسبت به مسئولین و نظام جمهوری اسلامی بوسیله تشکلات و در قبال اعلامیه ها و شینا ه ما، مخالفت با اقدام علیه سیاستهای خارجی جمهوری اسلامی که منجر به اختلال در روابط و مناسبات خارجی کشور شده..."

مهدی هاشمی در توضیح چگونگی " استفسار ده نامشروع از سپاه " گفت: " ما سپاه را وسیله ای برای تثبیت و تحکیم پایه های تفکر خود در میان مردم و پشواندای در انتخابات مجلس و برای برای در اختیار گرفتن دیگر ارگانها و دوا بردولتی... قرار داد و در این زمینه به موفقیت های بسیاری دست یافتیم " علاوه بر سپاه پاسداران، و مجلس و ارگانها و دوا بردولتی، توجه ویژه به کارخان های چون حوزه علمیه و برنا مریزی برای تحکیم موقعیت خود در آن، اعرصه های اصلی فعالیت این گروه بوده است. مهدی هاشمی در این رابطه گفت: " به نام و حوزو علمیه بعنوان یک پایگاه اصلی قدرت در انقلاب می کردیم که بالقوه نیروها و کارهای آینده انقلاب و کشور در داخل و خارج را پرورش خواهد داد... عطف قدرت و حرازیایگاه در دراز مدت نصب العین ما شده بود تا... یک بازوی نیرومند روحانی در اختیار داشته باشیم "

افتاگری علیه برخی از رهبران جمهوری اسلامی منجمه اعلامیه ای ریسی جمهور، از طریق اعلامیه و شینا به یکی دیگر از موارد اتهام مهدی هاشمی بوده است. او در جریان محاکمه به تهیه و توزیع اعلامیه های " روحانیت بیدار " اعلامیه ۸ صفحه ای علیه خاندنهای، اعلامیه علیه دکترهای و تکثیر و توزیع نامه دکتر بیمان به آیت الله منتظری

اشاره کرد و در توضیح انگیزه تکثیر نامه دکتر بیمان گفت: " ما چون محتویات نامه دکتر بیمان را در راستای افکار خود می دیدیم، مقداری از آنها را تکثیر و به دوستان ما دادیم.

مهمترین و پر نمودترین مورد اتهام مهدی هاشمی مخالفت و اقدام علیه سیاستهای خارجی جمهوری اسلامی بود که " منجر به اختلال در روابط و مناسبات خارجی کشور شد ". در انعکاس جریان محاکمه در مطبوعات جمهوری اسلامی در رابطه با این اتهام تنها به " نقش منفی " مهدی هاشمی در درگیری های داخلی ضد انقلابیون شیعه افغان اشاره شد و از افشای معاملات پشت پرده خمینی - رفسنجانی بسا ریگان و اختلافات ناشی از آن سخن به میان نیامد. مفا دیدند که کیفرخواست نیز در مطبوعات جمهوری اسلامی انعکاس نیافت و بخشی از جریانی که محاکمات نیزها ننند ما پیش تلویزیونی " اعترافات " مهدی هاشمی، به ملاحظه " پاک نگاه داشتن دامین بزرگان از اتهامات " مکتوم مانند با زتاب بیبرینی نیافت. ری شهری در رابطه با ما سورپیمایش تلویزیونی " اعترافات " گفته بود: " قبلا هم کامل صحبت مهدی هاشمی، را شخا به حضرت امام دادیم. او این مقدار را که از تلویزیون بخش شد تا بید امام پیودان مقدار که به بخش مهدی، مصلحت نبوده است.

بازداشت شکنجه و اعدام مهدی هاشمی که " جرم " اصلی اش بر ملا کردن مخالفه پنهانی جمهوری اسلامی با آمریکا بود، بار دیگر نشان داد که رژیم سرکوبگر مردمی حاکم در عرض برای نزدیک شدن به آمریکا مصلحت و دوا دوسته خمینی - رفسنجانی - خاندنهای هرگونه مخالفتی با سیاستهای جاسازی رژیم راهتی از جانب آنها و محافل خودی نیز تحمل نمی کنند.

در جرایم و اختلافات و منازعات درون حکومتی اعدام مهدی هاشمی معنای عینیت دارد. این اقدام ادامه بورسی بود که رژیم، از یک سال پیش برای قلع و قمع این جریان سیاسی - مذهبی پیهم در خاکمیت صورت داده " توسط جناح رسالت بعنوان تصرف یک کاربزمیم توصیف شده و همین جناح در انجام تمام و کمال این یورش بیش از همه ذینفع بوده است.

سرکوب شدن و خونین دسته مهدی هاشمی و قربانی شدن او پیش پای خلیفه جماران در عین تازهای برای برخی از هواداران در فریب خورده جمهوری اسلامی است. این رویداد نیز صورت باعث تشدید تضادهای درون خاکمیت خواهد شد. عینیت هرگز نمی تواند با سرکوب و کشتا و منتقدین و مخالفین سیاستهای رژیم در درون حکومت به ایجاد دسته ها و خطه ها و جناحهای غیر مطبوع درجه " فرارو پاینده " حزب الله " پایان دهد.

نمایش مبارزه با گرانفروشی

یکی از نمودهای بحران شدید اقتصادی، گرانگرمی است که با محتاج مردم است که هر روز نیز بیشتر و بیشتر می شود. این روزها در بازار، چنانکه یافت شود گوشت کیلویی ۲۵۰ تومان، مرغ کیلویی ۱۴۰ تومان و بیورلیاستونی ۲۵۰ گرمی ۲۵۰ تومان به فروش می رسد. اجاره مسکن که جای خود را در دو معسولا بیش از ۵۰ درصد در زحمتگشان را می بلند، مدتیه است که در اثر گرانگرمی سرما و آروگوشه برنج، مرغ و حتی تخم مرغ از سفره زحمتگشان رخت بر بسته است.

در رژیم جمهوری اسلامی در حالی که سرمایه داران بویژه تجار بزرگ، ثروت های افساننده ای اندوخته اند، زحمتگشان میهنمان برای زنده ماندن مجبوری گردند و ما بیل نا چیزخانه نشان را نیز بفروشند. به برکت سیاستهای ضد مردمی رژیم تجار " محترم " این استوانه های " رژیم جمهوری اسلامی ما صاحب بیش از ۵۰۰۰ میلیارد تومان نقدینگی گشته اند. تنها قضیه " بنیاد نبوت " که به دلیل عدم پرداخت مالیات به دولت خمینی، توسط وزیر دارایی و اقتصاد رژیم مورد فشار قرار گرفته است، نشان می دهد که در رژیم جمهوری اسلامی به همان میزان که شرایط کار روزندگی کارگران و زحمتگشان دشوارتر می شود، همانقدر امکانات تالانگری آخوندهای حکومتی و تجار فراهم ترمی گردد. طبق اعتراف محمد جواد پروانی وزیر امور اقتصاد و دارایی رژیم تنها مالیات پرداخت شده بنیاد میوز در بخشی از سال ۶۵، ۸ میلیارد و ۳۰۰ میلیون ریال تخمین زده شده است. وزیر دارایی رژیم که حاضر نشده است از سرمداران " بنیاد " میوز شام برد، افزوده است که " بنیاد نبوت " در عرصه های وسیعی منجمسه در زمینه های بازرگانی، تاسیسات، بیمه نگاری، دارایی، مبروری و... فعالیت داشته است.

در چنین اوضاع و احوالی است که رژیم خمینی

اطلاعیه مطبوعاتی احزاب کمونیست شرق مدیترانه و خاور نزدیک و میانه

چندی پیش نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای شرق مدیترانه، خاور نزدیک و میانه و دریای سرخ طی یک گردهمایی در آتن با یکدیگر و یونان به تبادل نظر درباره اوضاع متشنج منطقه بویژه تمرکز نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا و هم بیمانان " ناتو " ای آن در منطقه خلیج فارس پرداختند. احزاب میوز در پایان نشست طوسی با سیاست مطبوعاتی " خاطرنشان کردند... امپریالیسم میان عراق و ایران برای گسترش فرما نیروی خود بیره برداری می کند و بدین سان صلح جهانی را بگونه ای سمگین به خطری اندازد. ما پشتیبانی خود را از قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد میسوی برپایان خشیدن بیدرنگ به جنسک خاندن سورگه ادامه آتنها در راه ای منافع کنونی و دراز مدت امپریالیست است، ایسرا ز می داریم... شرکت کنندگان در گردهمایی آتن از ازیستنیادهای واقع بینانه وی در پی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی درباره برقراری صلح پایدار در خاور میانه، مدیترانه و در سرچیان و برچیدن کارونهای تشدر منطقه استقبال می کند. احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای فوق تاکید می ورزند که همچنان در پیشاپیش صفوف جبهه خلق خود، در راه صلح، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی خواهد رزمید.

احزاب میوز تصمیم گرفتند تا سومین کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری منطقه شرق مدیترانه، خاور نزدیک و میانه دریای سرخ را فرا خوانند.

در باره مبارزه با گرانفروشی و احتکار گرد و غبار تبلیغاتی برای انداخته و به زحمتگشان زجر دیده میهنمان و عده می دهد که بزودی به برکت شلاق و جرمه " گرانفروشی را از روی نقشه ایران محو خواهد کرد و بخصوص از وقتی که صلاح جاساران و ما " تجار " فرمایند محاکمه محارثی به اخلاف گرانفروشان و محتکران را به گزته های خیابانی دولت حزب الله ابلاغ نموده و متقاضیان بخشا به تخت وزیر گوش به فرمان درباره اعمال " قاطعیت " در مورد گرانفروشان در اول مرداد ماه سال ما در شده، روزی نیست که روزنامه های حکومتی اندر فوا بید آن ننویسند و اخباری در باره دستگیری و " تفریر " گران - فروش و محتکران در کنند.

بدین ترتیب سران جنابیت پیشه رژیم با سرا به انداختن این هیاهوی تبلیغاتی تلاش در راندن چنین وانمود کنند که گرانگرمی موجود در ما عده سه تا شش ازمایه است. سرما به داری و سیاستهای ضد مردمی و جنگ نظامی رژیم، بلکه تاسیسی از عملکرد معدودی افراد سودمست، لذا بجای مقابله با گرانگرمی، سوق و کرنای مبارزه با گرانفروشی را به صادر آورده اند.

علیرغم این ترندهای رژیم مردم میهن ما بخوبی می دانند که رژیم جمهوری اسلامی خود عامل اصلی گرانگرمی و بیگاری ویسی مسکئی است و بنیاد " مستغمان " ها و " بنیاد نبوت " ها تحت حمایت همین رژیم است که در جامعه ما شکل گرفته و دست چپا و لور برهستی مردم گشوده اند.

این حقیقت از دیده زحمتگشان میهن ما پنهان نیست که توزیع کالاهای اساسی مدتیه است که در دست دولت حزب الله است. این دولت حزب الله و آخوندهای حکومتی هستند که تجار حزب اللهی را در احتکار کالاهای اساسی مورد نیاز مردم ببار می رساند و خودشان از سرمداران اصلی باند های احتکار و گرانفروشی هستند.

مردم زحمتگشان میهن ما نه تنها هیاهوی تبلیغاتی رژیم را جدی نمی گیرند، بلکه نگران آتند که از این به بعد بخش دیگری از درآمدنا جیشان نیز به تامین هزینه ۱۴۰۰۰ گزیه رژیم که تحت عنوان با زرس برای اجرای نمایش مبارزه با گرانفروشی بسیج شده اند اختصاص یابد.

رژیم با تعقیب و " تفریر " و جرمه تعدادی از گرانفروشان و محتکران و نیز جرمه برخی از موسسات بزرگی که در پرداخت خراج به دولت جنگ طلب تعلل ورزیده اند، می خواهد شکل نظام را از ما محو و کین مردم دورنگهدارد. کساری که شاه معصوم نیز قبیل از سقوط حکومت تنگینش به آن دست زد، و برای مهار تورم و گرانگرمی تاسیسی از نظام سرما به داری و سیاستهای ضد ملی و ضد مردمی اش، تا قیامی انضاف ترسب داد، و اکیب های مبارزه با گرانفروشی به راه انداخت... اگر آن ترندهای شاه معدوم توانست رژیم وی را از سقوط نجات دهد، و ما فریبی های رژیم فقهای نیز خواهد توانست این رژیم را از سقوط نجات دهد.

انبرق PI-10 1001 WIEA AUSTRIA	آدرس
حساب بانکی AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 450 DR. GERTRAUD ARTNER	

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی جمهوری اسلامی